

# قانون شکنی، سرکوب، شکنجه ابزارهای اجرائی ارتجاع!

● تقض وقتی قانون، ویرگی حکومتی جدا از مردم و بیگانه با خواسته‌های آنان است!

میدان داری سردمداران ج ۱۰۱۰، در زمینه لگدکوب کردن تمامی دستاوردهای انقلاب ملی - دکراتیک بهمین ماه مردم ایران، هر روز شمای جدیدی به خود می‌گیرد.

قانون اساسی که یکی از مهمترین ارمغان‌های این انقلاب است و مهر تأیید ۱۸ میلیون رأی دهنده ایرانی را بر خود دارد - با همه کمی و کاستی‌هایش - اینک به آماج اصلی یورش راستگرایان وابسته به امپریالیسم و تسلیم‌شدگان بدل شده است. اینان و نوچگان و اهرمهای اجرائیشان، با همدستی عوامل امپریالیسم، از دو سو و به گونه‌های هماهنگ، عملیات تهاجمی خود را سازمان دادند: از یک سو، اجرای قوانین مترقی را ناممکن ساختند، مخالف قانون و بر ضد قانون عمل کردند - و می‌کنند - هرچ و مرج و خودسری را، معیار برخورد و تصمیم و اجرا قرار دادند - و گویی مطلقاً قانونی وجود ندارد! - و از سوی دیگر، جلوی تدوین و تصویب قوانین بر مبنای اصول مترقی و روح بقیه در صفحه ۲

# راه توده

شهره‌ها و نوجوانان حزب توده ایران در طرح زنگشور

جمعه ۲۴ آذر ۱۳۱۲ م - شماره ۲۵ - سال دوم، شماره ۶۹ - بهار ۴۰ - بهار

## آمریکاباد می‌کارد، طوفان درومی‌کند

● خلقها پاسخ تاریخی خود را به امپریالیسم خواهند داد

بیاده شدند - همزمان با این عملیات تدارکی نظامی، هزاران سرباز و افسر آمریکائی در مرزهای نیکاراگوئه موضح گرفته‌اند - چنانکه از شولهد بر می‌آید، این واحدهای نظامی، خود را پسرای اقامت طولانی و شرکت در تجاوز نظامی به نیکاراگوئه آماده می‌سازند - بقیه در صفحه ۵

دولت ریگان در نظر دارد با تأمین کنترل سیاسی و نظامی خود بر مناطق کلیدی جهان، تاریخ را به دوران استعماری بازگرداند - در ماه اوت گذشته و در هفته اخیر نیز، چندین کشتی جنگی آمریکائی به سوی آبهای آمریکای مرکزی حرکت کردند و چندین صد سرباز آمریکائی تحت لوای انجام مانور، در هند و راس

## «انتقاد»، یافریب

بحران در حاکمیت ج ۱۰ - روز بروز عمیق تر و گسترده تر می‌شود - عدم ثبات، بلا تکلیفی و ناتوانی دولت در حل مشکلات اساسی مردم، تورم و گرانی طاقت فرسا، کمبود مسکن، بیکاری، کاهش روز افزون صادرات و افزایش دم افزون، واردات کالا از کشورهای امپریالیستی، فقر فزاینده، روستائیان کم زمین و بی زمین و مهاجرت‌های گروهی روستائیان تهیدست به شهرها، فقر شدن بوروکراسی دولتی، در فساد و رشوه خواری و پانده بازی ۰۰۰ بی‌آمدهای اجتناب ناپذیر چرخش به راست بهمین ۶۱ حاکمیت است - این بحران، پایتتاب بحران عمیق نظام کلان سرمایه - داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم است - که حاکمیت ج ۱۰ سرانجام در سپتامبر ۱۱ تصمیم قطعی بپند آورد آن گرفت، بحران است از طرف بحران عمومی دنیای سرمایه داری که همه کشورهای استعمار زد های که بهر امر شد سرمایه داری می‌روند نیز در آن

دست و پای زبند - جناح‌های مختلف حاکمیت که در پیدایش و تدویم این بحران هر یک سهمی دارند، می‌کوشند به شیوه‌های خاص خود ظل اساسی اوضاع رقت بار کنونی جمهوری را از مردم پنهان کنند - راستگرایان که برای تسلط هر چه بیشتر بر اهرمهای سیاسی - اقتصادی کشور تلاش می‌کنند، بازگرداندن کارخانه‌های ملی شده به سرمایه داران، پس گرفتن زمینها از دهقانان و تفویض قدرت مطلق به زمینداران، گشودن پیچ تزریق واردات کالاها و امپریالیستی، و عرضه همه کالاها موجود از طریق کانال‌های سنتی توزیع را تنها راه نجات از این بحران معرفی می‌کنند و می‌کوشند تحت عنوان استقرار روابط اسلامی در جامعه (سخنرانی احدکاشانی، نماینده نطنز، ۲۲/۷/۳۲ کیهان) حکومت سرمایه را - با تمامی ابعاد فاجعه آمیز و مخربش - بر ارکان سیاسی - اقتصادی - بقیه در صفحه ۱۵

مشورای اسلامی کارها  
اهای این سرمایه داری؟!!

## مسائل انقلاب و مواضع ما: فرخ نگهدار بخش سوم

در صفحه ۸

## دولت ترکیه، جان مهاجرین سیاسی ایرانی را در آن کشور به خطر انداخته است!

در صفحه ۱۶

بسیار حجت بود که ایرانیان  
تسلیم این از شعار ستاوردهای  
تلاش می‌کنند

# پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

# قانون شکنی، سرکوب، شکنجه ابزارهای اجرائی ارتجاع!

## • تقض و نقی قانون، ویرگی حکومتهای جدا از مردم و بیگانه با خواستههای آنان است!

بقیه از صفحه ۱

مردمی قانون اساسی را سد کرده اند، بجای آن " اصول " و " مواد " تعیین کننده و مخالف و متناقض با روح و آمایجهای انقلاب و قانون اساسی را در " لایحه " ها و " پیش نویس " های ارائه شده و " قوانین " تصویب شده گنجانده اند و از این طریق مضمون انقلابی اصول مترقی قانون اساسی را به مسخ کشیده اند .

این یورش دو سویه ، که از یک مرکز واحد طرح ریزی و به مرحله اجرا در می آید، هدف مشخصی را دنبال می کند : تحمیل قانون سر - نیزه ، تحکیم و تثبیت هر چه بیشتر جو رعب و وحشت و اختناق و سپردن مهار انقلاب از نفس افتاده ، ما ، به دستان " توانای " سرمایه - داران بزرگ و کلان زمین داران و پاسداران " گمنام و با نام سیا " چهره و آموخته " در محیثستان ، تا اولی ها نظام اقتصادی کشور را به آن سو که به سود امپریالیسم جهانی است ، سمت دهند و دومی ها ، هرگونه خواست عدالت جویانه و آزادی خواهانه مردم را ، بی - محابا سرکوب کنند .

از همین روست که ۵ سال و اندی پس از انقلاب ، لایحه " اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب ، " ضد اسلامی " قلمداد می شود ، ملی شدن بازرگانی خارجی ( بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی ) ، و مسئله محدود کردن مالکیت ها ( طبق اصل ۴۹ قانون اساسی ) ، بگلکی به دست فراموشی سپرده می شود و بسیاری دیگر از اصولی که زیر بنای اقتصادی کشور را تعیین می - کنند پشت در مجلس یا در کمیسیون های مختلف و یا در برزخ تصمیم " شورای نگهبان " معطل ماندند .

## حقوق و آزادیهای قانونی در مسلخ "قانون جنگل"

امر اجرای قانون اساسی ، در زمینه " حقوق و آزادی های دموکراتیک و قانونی " ، به سرنوشت دردناکی دچار آمده است . حقوقی مانند حق کار ، حق استراحت ، حق تحصیل و سواد آموزی ، حق درمان ، حق تأمین دوران پیری ، حق دوران مادری ، برابری حقوق زنان با مردان در همه عرصه ها ، حق مسکن و حق تشکیل نهاد های صنفی و شورایی کارگران در واحد های تولیدی و خدماتی و دیگر حقوق دموکراتیک که محتوای زندگی آزاد و انسانی هر شهروندی را می سازد ، به کلی بازیچه دست مافض و خواسته ها و نظرات انحصار جویان های جناح های قدرتی -

را به گروگانان افرادی که از دام گریخته بودند ، روانه سلول های تاریک و نور و بی روزن ساختند . همه می دانند با اعمال چه شکنجه های موحش جسمی و روانی ، مدرن و سنتی ، از آنان " اقرار " گرفتند و از پشت دستگاه " ارشادی " تلویزیون به نمایش گذاشتند ؛ همه می دانند در جهنم زندان های ج ۱۰ - این کانون های تعلیم و تهذیب ، - چه فجایعی به وقوع می پیوندد ؛ - که کندن پوست زندانیان به عنوان پیوند زدن به نقاط آسیب دیده بدن مجروحین جنگی و گرفتن خون آنها تا سرحدی رفقی و مرگ ، " عطفست آمیزترین " آنهاست . همه می دانند پدران و مادران سالخورده و نگران این درندگان ، برای کسب کمترین خبر از آنان ، هفته ها و ماه ها از این زندان به آن زندان و از ایمن " روابط عمومی " به آن " دفتر مخصوص " پاس داده می شوند و سرانجام هم ناموفق ، به کنسج خانه های سوت و کور خود باز می گردند . همه می دانند ، اکنون تعداد بستگانی که در جستجوی پسر " گمشده " ، دختر " مفقود الاثر " و همسر و پدر و مادر " ناپدید شده " خود هستند ، به صد ها تن می رسد . اکنون ، همه می دانند بهترین نتیجه جلادان ج ۱۰ ، در مقام توضیح شهادت کسانی که زیر شکنجه به قفسل رسیدند ، " خودکشی " است .

آری ، این حداعلا پای بندی رهبران ج ۱۰ به قانون و رعایت اصول و مواد قانونی ، از جانب آنهاست !

اینهمه پرهیز از تن دادن به اصول قانونی ، نه تنها بی حرمتی به جان های پائی است که برای به ثمر رساندن انقلاب تنها سرمایه خود را نثار کردند ، نه تنها بی اعتنائی به اراده تعیین کننده مردمی است که خواسته های مردم خود را در قانون اساسی متبلور دیدند و میسه آن رای دادند ، نه تنها نقش خشن و خود سرانه اصول و معیارهای اخلاقی و انسانی ای است که تعاهی بشریت مترقی و آزاده به آن احترام می گذارد و خود را به رعایتشان موظف می داند ، بلکه نشانه ضعف و فلاکت سیاسی ای هم هست که یسک حکومت جدا از توده مردم و بیگانه با خواست های آنان ، ناگزیر از اعمال آنست !

کسانی که به جای خواست و اراده مردم - که مختصات آن در قانون اساسی تجسم یافته - بر شیوه های پلیسی و سرکوب و ارباب و اختناق تکیه می کنند و ضدیت با قانون و نقی آن را ، به روش " گزیده " و تنها روش ممکن خود بدل ساخته اند ، سرانجام راه به همان جایی خواهند برد که اسلافشان - شاه ملعون و پدرش - و تمامی دیکتاتورهای جهان بدانجا راه یافتند : به قعر گور لعنت ابدی خلق !

طلب حاکمیت ج ۱۰ ، قرار گرفته است . همه این حقوق پامال " قانون جنگل " حاکم بر سرنوشت زحمتکشان میهن ما شده است . مسخ مضامین مترقی اصول قانون اساسی ، شگرد آزموده شده های است که سردمداران ج ۱۰ آنرا در مواردی که یاری نقی کردن و نادیده انگاشتن آن اصول را ندارند ، بکار می گیرند . برای نمونه ، تنها می توان از " طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار " سخن گفت که ایسن اواخر قانون آن از تصویب مجلس گذشت . حاکمان ج ۱۰ ، از آنجا که در برابر توان و آگاهی و خواست مردم کارگران مبنی بر داشتن تشکلهای صنفی - شورایی ، خود را ناتوان می بینند ، دست به کار " ساختن " طرحی " زده اند که بکلی با مضمون مترقی اصل ۱۰۴ قانون اساسی بیگانه است .



در زمینه " آزادی های سیاسی که در اصول نهم ، بیست و چهارم و بیست و ششم قانون اساسی و ... بر آن تأکید شده ، مطلب ابعاد فاجعه آمیزتری به خود می گیرد . محتوای " شاهکار " ضد قانونی سردمداران ج ۱۰ ، که در سرکوب خونین حزب توده ایران ، شکل گرفت ، امروز دیگر بر همگان روشن است . همه می دانند این توطئه ننگین ، از چه زمان و به فرمان چه کسی و برای " خوش آمد " و تأمین منافع چه نیروها و به دست و با یاری چه کسان و بسا چه هدفی طرح ریزی شد و به مرحله " اجرا " در آمد . همه می دانند چگونه تود های حامی اهداف انقلاب ملی - دموکراتیک ۲۲ بهمن را ، به ضرب زور و جرح و دشنام و تحقیر و توهین و سرب داغ از منازل و بسترهای خود بیرون کشیدند ؛ آنان را از آغوش خانواده های خسود دزدیدند ؛ پاره ای را با تمامی اعضای خانواده - نوزادان شیرخوار ، کودکان ۳ - ۴ ساله - ویرخی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

# دفاع از حزب توده ایران و ابراز همبستگی با توده‌ای‌های دربند، به شعار مبرم محافل، احزاب و سازمانهای مترقی، بدل شده است!

## دانمارک

• سازمان کارگران ترکیه ، " انجمن همبستگی یا کارگران ترکیه " در شهرهای راندس و آرهوس ، " انجمن یونانیان " و اتحادیه مردم پاکستان ، طی اعتراضنامه‌ای خطاب به مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ ، نسبت به اعمال بی‌رویه در مورد مبارزین توده‌ای و سایر انقلابیون دربند از جمله چنین می‌نویسند:

" ضربه مهلك دیگری بر پیکر انقلاب ایران وارد آمده است. نیروهای راستگرا و ارتجاعی ، یکی از خواسته‌های دربند " امپریالیسم رایه مرحله اجرا در آورده و صدای نیروهای دمکرات و مترقی را در گلو خفه کرده اند . اچ این اعمال ، دریافت داشت و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران تجلی می‌کند . نتایج این اعمال را باید در گسترش روابط با دولتهای ارتجاعی و به عقب بازگرداندن انقلاب ایران جستجو کرد . ما به نام نیروهای مترقی خارجی ، مقیم دانمارک پایمال کردن آزادی ، عدم رعایت موازین حقوق بشر و اعمال شکنجه و کشتار انقلابیون را در ایران محکوم کرده ، خواسته‌های زیر را مطرح می‌کنیم :

- ۱- قطع فوری شکنجه‌ها ( بازجویی می تواند تنها با حضور وکیل مدافع انجام شود )
- ۲- برکناری دادگاه‌های بین‌المللی تحت نظارت حقوق دانان و خبرنگاران .
- ۳- اجازه ورود به هیأتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوق دانان ، به منظور بررسی وضع زندانیان .
- ۴- پایان بخشیدن به جو ترور و خفقان و رعایت مواد صریحه در قانون اساسی ج ۱۰۱۰ اندر مورد آزادی بیان ، قلم و تشکل . . . .
- ۶- آزادی کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران ، سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) و سایر زندانیان سیاسی مترقی .

## همبستگی اعضا و نمایندگان

### حزب کارگر بریتانیا با زندانیان توده‌ای و زندانیان دمکرات ایران

چندی پیش ، ۳۸- مین کنگره حزب کارگر بریتانیا ، در شهر برایتون با حضور نمایندگان این حزب از سراسر بریتانیا تشکیل شد . در این گرد هم آئی ، اعضا و نمایندگان جنبش کارگری ، و شعب مختلف حزب کارگر حضور داشتند . اعضا و نمایندگان " کمیته دفاع از انقلاب ایران " با حضور فعال در این گرد همائی ، صحنه کنگره

حزب کارگر را به صحنه دفاع از زندانیان توده‌ای و زندانیان دمکرات ایران بدل ساختند .

نمایندگان " کمیته دفاع " در دیدارهای مختلف با اعضای پارلمانی حزب کارگر به شرح اوضاع ایران و لزوم همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای و دمکراتهای دربند پرداختند . در این کنگره ۸۰۰ نفر از اعضای شرکت کننده ، اعتراضیه " کمیته دفاع " را مبنی بر محکوم نمودن اعمال غیر انسانی شکنجه ، تعقیب و آزار اعضا و هواداران حزب توده ایران و سایر دمکرات های میهن ما امضا نمودند و انزجار خود را از این اعمال فاشیستی و حیوانی علیه این آزاد- اندیشان اعلام کردند .

در میان امضا کنندگان این اعتراضیه اسامی ۳۰ نماینده پارلمان بریتانیا و شخصیت های برجسته‌ای مانند : " تونی بن " عضو شورای مرکزی حزب کارگر ، " مایکل میشر " ، نامزد معاونت حزب کارگر و عضو شورای مرکزی این حزب ، " جیمی نپا " ، دبیر کل اتحادیه کارگران راه آهن بریتانیا ، دبیر کل اتحادیه کارگران و مهندسین ساختنائی ، " آلن ساپر " ، دبیر کل اتحادیه مهندسین و تکنسین های تلویزیون و نمایندگان بیش از ۶۰ شعبه حزب کارگر و ۱۵ اتحادیه سراسری کارگری به چشم می‌خورد .

## نامه اعتراضی ۱۹۶ تن از شخصیت‌های حقوقی آلمان به سفیر ج ۱۰۱۰:

### و عده پاسخ به خواست اعزام هیئتی به ایران، هنوز عملی نشده است!

شخصیت‌های حقوقی و سرشناس آلمان فدرال که در کنفرانس " حق عدالت و فاشیسم " - نوزدهم نوامبر ( ۲۸ آبان ) - شرکت کردند ، یکبار دیگر بر خواست اعزام کمیسیونی جهت بررسی وضع زندانیان سیاسی به ایران تأکید کردند .

شرکت کنندگان در این کنفرانس که در فرانکفورت بر پا شده بوده ، طی نامه‌ای خطاب به سفیر ج ۱۰۱۰ و ارسال آن به این وزارتخانه در برن ، دستگیری و شکنجه میهن دوستان مترقی و مبارز ایرانی را محکوم کرده و از " بی‌اعتنایی " مقامات مسئول سفارت ، نسبت به خواست به حق و کلا و مراجع حقوقی آلمان فدرال انتقاد کردند . " راه توده " به دلیل اهمیت جهانی این اقدام ، متن کامل این نامه را بنه اطلاع خوانندگان خود می‌رساند :

" به سفیر ج ۱۰۱۰ در برن : ما مدت‌هاست ناظر این هشتم کسه در ج ۱۰۱۰ ، دگراندیشان و به ویژه شخصیت‌های مترقی متعلق به گروه‌های اجتماعی مختلف ، از جمله سندیکالیست ها ، هنرمندان و نیز کمو- نیست ها - طبرغم مواد ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ ( ماده ۲۲ : " تخفیف عقاید ممنوع است ؛ هیچ - کس نباید بخاطر عقیدهاش مورد تعدی قرار گرفته و مجازات گردد . " ) مورد پیگرد قرار گرفته ، بازداشت و شکنجه می‌شوند .

این امر ، اخیرا ابعاد وسیعتری پس خود گرفته است . حق دفاع زندانیان سیاسی و به ویژه اعضای حزب توده ایران ، تحت عنوان " کافران قابل دفاع نیستند " ، از آنان سلب گشته است .

ج ۱۰۱۰ ، خواست کمیته‌های همبستگی با زندانیان را مبنی بر دادن اجازه ورود به یک کمیسیون بی‌طرف بین‌المللی به ایران ، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک به عنوان " مداخله در امور داخلی ایران " قلمداد کرده و آنرا رد کرده است .

در جمهوری فدرال آلمان ، به دفعات از دولت ج ۱۰۱۰ و سفارت آن در برن خواسته شد ( در تاریخ دهم ژوئن - ۲۰ خرداد - ، هفتم ژوئیه - ۱۶ تیر - و سیزدهم اوت - ۲۲ مرداد - ) برای چنین هیأت بی‌طرفی ، اجازه روایت برای سفر به ایران ، صادر کنند . آن سفارتخانه ، در تاریخ هفتم ژوئیه ( ۱۶ تیر ماه ) ، در حضور نمایندگان این کمیته ، پذیرفت که به خواست آنان مبنی بر اعزام هیأت پاسخ دهنده ولی تا کنون این وعده ، عملی نشده است .

ما ، شرکت کنندگان در کنفرانس " حق ، عدالت و فاشیسم " مجددا بر خواست خود مبنی بر اعزام هیأتی به ایران ، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک ، تأکید می‌ورزیم . ۱۹۶ تن از شرکت کنندگان در کنفرانس که از شخصیت‌های حقوقی و سرشناس آلمان فدرال هستند ، زیر این نامه را امضا کرده اند .

# با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

# "شورای اسلامی کار" یا "شوراهای اسلامی سرمایه"؟!

## • نقض حقوق صنفی - شورایی کارگران، ویژگی عمده، طرح تشکیل قانون شوراهای اسلامی کار، است!

در ادامه، بحثی که در شماره ۶۷ "راه توده" پیرامون "طرح تشکیل شوراهای اسلامی" کار آغاز کردیم، اینک به بررسی ویژگی‌های دیگر این "طرح" می‌پردازیم.

قبل از هر چیز باید گفت: "طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار" در ۴ فصل و ۳۵ ماده - به انضمام بندها و تبصره‌های افزوده شده بر این مواد - تدوین شده که در جلسات علنی اواخر مهرماه مجلس به تصویب نمایندگان رسید و اکنون به "شورای نگهبان" سپرده شده تا نظر نهایی خود را اعلام دارد.

مضمون کلی این فصل را که به "کلیات" / "وظایف و اختیارات شورای اسلامی کار" / "شورای اسلامی کار منطقه" / "شورای عالی اسلامی کار" / تقسیم شده، می‌توان در ۳ ویژگی زیر خلاصه کرد:

۱ - مخدوش کردن مرز بین نهاد های صنفی - طبقاتی کارگران و ارگان های شورایی آنان، که در نهایت به نقض اصل ۲۶ قانون اساسی - که بر تشکیل "انجمن های صنفی" کارگران تأکید دارد - می‌انجامد.

۲ - تبدیل نهاد های کارگری به سازمانهای تحت کنترل دولت از یک سو و بدل ساختن آنان به ابزار دست "مدیران" و "کارفرمایان" از سوی دیگر، تا سيطرة آنان را بر سر نوشت کارگران تأمین کند.

۳ - منسوخ و تهی ساختن مضمون مترقی و اصل ۱۰۴ قانون اساسی که اتفاقاً این "طرح" گویا به منظم تحقق بخشیدن بدان و با الهام از محتوی آن تدوین شده است!

اصل ۱۰۴ قانون اساسی تصریح می‌کند:

"به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه و ایجاد هم آهنگی در پیشرفت امر در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها، شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضا، این واحدها تشکیل می‌شود.

چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند."

چنانکه از مفاد این اصل پیداست، حق شورایی کارگران، عسای مشارکت در نظارت و اداره واحدهای تولیدی - خدماتی و ... به صراحت و روشنی تمام در قانون اساسی، انعکاس یافته و رسمیت پیدا کرده است.

حال بیینیم طراحان "طرح تشکیل شوراهای اسلامی" چگونه مضمون مترقی این اصل را به مسخ کشیده و در مغایرت با آن، چه موادی را به تصویب رسانده‌اند. برای این منظور به بررسی تک تک ویژگی‌های عمده، این "طرح" می‌پردازیم:

۱ - مخدوش کردن مرز بین نهاد های صنفی - طبقاتی کارگران و ارگان های شورایی آنان و نقض اصل ۲۶ قانون اساسی.

تشکل ستیزی و خصومت کور با نهاد های صنفی - طبقاتی کارگران مسئولین ج ۱۰۱۰، امری نیست که نیاز به اثبات داشته باشد. آنان، بلافاصله پس از انقلاب، مخالفت با این نهاد های طبقاتی را که بطور عمده وظیفه دفاع از منافع و خواسته های صنفی کارگران را به عهده دارند، ساز کردند و برای بی اعتبار ساختن آنها، جلوگیری از تشکیل و "منحله" اعلام کردن سند یگانه‌ای که با خواست و به دست کارگران بر پا شده بود، از به کارگیری هیچ ترفند و دستاویزی مضایقه نکردند. در "طرح تشکیل شوراهای اسلامی" نیز، زمینه اعمال همان سیاست خصومت - آمیز فراهم آمده است. طراحان این "طرح" می‌گویند: "با گنجاندن موادی که قانوناً جزو وظایف "انجمن های صنفی" کارگران - اصل ۲۶ قانون اساسی است، در چارچوب وظایف "شوراهای اسلامی" عمل محمل های نقض اصل ۲۶ قانون اساسی را تدارک می‌بینند. بدین ترتیب تدوین کنندگان این "طرح" می‌گویند: "با یک تیر دو نشان می‌زنند: هم خواسته های صنفی - طبقاتی کارگران را - که در سالهای اخیر عمدتاً توسط مجمع عمومی شوراهای کارگری مطرح می‌شود - بدوین پشتوانه اجرائی می‌گذارند و هم کارگران را از تشکل های صنفی - طبقاتی محروم می‌سازند.

موادی که چنین معنایی را در بر می‌گیرند عبارتند از: بند م و ۱۳۰ (در شرح وظایف و اختیارات) "شوراهای اسلامی" بررسی شکایات کارکنان در مورد ناراستیهای واحد و پیگیری موارد حق. بند ن و ۱۲: تلاشی در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقیقت قانونی کارکنان واحد.

م - ۱۹۰: شورا یا رعایت مقررات نسبت به موضوعات مشروح زیر، نظر مشورتی خود را به مدیریت ارائه می‌دهد:

- الف - ساعات شروع و پایان کار و استراحت و توزیع اوقات کار در هفته.
- ب - موعود و محل و نحوه پرداخت مزد یا مزایا.
- ج - تخصیص مشاغل افراد.
- د - تعیین نرخ های کار فردی و هیاداش های کارکنان بر اساس قوانین و آئین نامه کار.

- ه - ترتیب استفاده فردی یا جمعی کارکنان از انواع مرخصی.
- و - اتخاذ تدابیر برای پیشگیری از حوادث و بیماریهای ناشی از کار.
- ز - تنظیم برنامه و سازماندهی خدمات اجتماعی مربوط به واحد.
- ح - تدوین ضوابط استفاده از خانه های سازمانی واحد.

چنانکه که از مفاد این مواد و بندهای مربوط به آن بر می آید، شورا در اجرا و اعمال نظرات خود، هیچگونه نفوذ و اعتباری ندارند. اعضای آن، تنها اجازه دارند در جهت احقاقی حقوق حقه کارگران، نظر مشورتی خود را ارائه کنند. بدیهی است که این "نظر مشورتی" هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد. حالیکه "مدیریت" محق است و می‌تواند بر اساس مفاد این مواد "نظر مشورتی" شورا را نادیده انگارد.

۲ - تبدیل نهاد های کارگری به سازمانهای تحت کنترل دولت از یک سو و بدل ساختن آنان به ابزار دست "مدیران" و "کارفرمایان" از سوی دیگر.

طراحان "طرح تشکیل شوراهای اسلامی" به منظور قانونی کردن نفوذ و تسلط دولت و "مدیران" و "کارفرمایان" بر شوراهای "مواد" را تدوین کرده‌اند که عاملیت مطلق وزارت کار را تثبیت می‌کند و اجرای بدوین قید و شرط نظرات و تصمیمات و برنامه های "مدیران" و "کارفرمایان" واحد های تولیدی و ... تأمین می‌نماید.

حضور و دخالت وزارت کار، از همان مراحل اولیه انتخابات "شورا" آغاز می‌شود. در تبصره ماده ۲ این "طرح" می‌خوانیم: "در بند مربوط به شرایط انتخاب شوندگان آمده است:

"تخصیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی کار ... به عهده هیأتی مرکب از نمایندگان ۱ - وزارت کار / ۲ - وزارت خانه مربوطه ( نفت، صنایع، بازرگانی، ... ) - نمایندگان منتخب مجمع کارکنان می‌باشد."

به این ترتیب، تنها افرادی می‌توانند در "شوراهای اسلامی" انتخاب شوند که مورد تأیید وزارت کار و وزارت خانه مربوطه قرار گیرند. رأی نماینده "مجمع کارکنان"، نقش تعیین کننده ای بازی نمی‌کند. همین جا تصریح می‌کنیم که نماینده "مجمع کارکنان" "الزاماً" کارگر "نیست! چون طبق تبصره م ۱۰: "کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف، از کارگر تا مدیر" مجمع کارکنان را تشکیل می‌دهند. اگر طراحان این "طرح" خواستار آن بودند که کارگران در امر تخصیص صلاحیت "انتخاب شوندگان" - یعنی نمایندگان خود - شرکت کنند، می‌توانستند به راحتی و با افزودن تبصره ای که حضور کارگران را در تعیین صلاحیت "کاندیداهای عضویت" در "شوراهای اسلامی" حتی و ضروری سازد، به این هدف دست یابند.

فساد م ۲۰ که انتخاب شوراهای زیر نظر وزارت کار، مقرر می‌دارد، تبصره ۱ همین ماده که تهیه آئین نامه انتخابات را نیز به عهده این وزارت خانه واگذار داشته، مضمون م ۱۰ که "پس از انحلال قطعی شوراهای اسلامی، وزارت کار را" موظف" به اجرای انتخابات شورای جدید ساخته، تبصره م ۲۲۰ که تعیین حدود و شمول موضوع این قانون را به تشخیص این وزارت خانه محول کرده، مفاد م ۲۳ و تبصره م ۳۰ که وزیر کار را تنها مرجع صلاحیت دار تصویب آئین نامه موقت شوراها دانسته، و ... همگی در جهت تثبیت عاملیت مطلق وزارت کار و تبدیل "شوراهای اسلامی" به عنوان نهاد های دولتی تدوین شده است. به این ترتیب نقش کارگران و انجمن های صنفی آنان - که قانوناً باید تمامی این امور زیر نظر آنان صورت گیرد - بکلی نادیده و باز پس گرفته می‌شود.

مغایرت این مواد، با اصل ۱۰۴ قانون اساسی، به خوبی روشن است. این اصل تنها در حدود تدوین "چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها"، به مراجع قانونی اختیار می‌دهد و پس در حالیکه تدوین کنندگان این "طرح" وزارت کار را "مقیول معروف" - همه کاره - و کارگران و نهاد های صنفی - طبقاتی آنان را "هیچ کاره" دانسته است!

میزان دخالت و "قدرت" تصمیم گیری و اجرایی "مدیران" و "کارفرمایان" بقیه در صفحه ۱۴.

# آمریکاباد می‌کارد، طوفان درومی‌کند

• خلقها پاسخ تاریخی خود را به امپریالیسم خواهند داد

بقیه از صفحه ۱

خلیج فارس - صحبت شده بود • واقعیت اینست که آمریکا، هم پیمانان ناتوی خویش را به ماجراجویی‌های نظامی خود کشانده است • مدخله فرانسه در چاد، شرکت دادن واحد های نظامی انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی در "نیروهای نظامی چند ملیتی" در لبنان و حضور رزم ناوهای این کشورها در سواحل لبنان مؤید این امر است • رزم ناو عظیم انگلیسی "ایتونیسیبل" نیز در کنار رزم ناوهای آمریکایی به سوی آبهای خلیج فارس روان شده‌اند • طبق نوشته "روزنامه پاریسی" ماتن، آمریکا برای اجرای نقشه‌های خود در این منطقه نیز به کمک عضو دیگر ناتو، فرانسه،

تجاوز بعدی آمریکا قرار خواهد گرفت، معمای بزرگی نیست • هر کشوری که در برابر امپریالیسم سلطه جویانه آمریکا مقاومت کند می‌تواند هدف بعدی تجاوز او باشد •

تمام مناطقی که رنج‌های آمریکایی در آن پیاده شوند، به "مناطق پیشروی" دیگری بدل خواهند شد، که می‌توانند علیه اتحاد شوروی، دوستان و هم پیمانان آن مورد استفاده قرار گیرند • آمریکا می‌تواند از این مناطق برای دامن زدن به تشنج بین‌المللی و یا تحریک آگاهانه درگیریهایی منطقه‌ای استفاده کند • این خطر را همواره باید در نظر داشت •

ژنرال راجرز، سر فرمانده نیروهای ناتو

تفنگداران آمریکایی مستقر در لبنان نیز زمینه اقدام (اشغال) طولانی تر را - فعلا و بطور رسمی ۱۸ ماه، تدارک می‌بینند • یکی از فرماندهان این نیروها اظهار داشته است که این سربازان برای "بی‌کار نشستن" مزد نمی‌گیرند • آنان منتظر فرمان شروع عملیات جنگی اند • رزم ناوهای آمریکایی که در سواحل لبنان تجمع کرده‌اند، آماده‌اند تا هر لحظه که سیاستداران این کشور تشخیص دهند اوضاع در لبنان به سود آنان نیست، عملیات جنگی علیه لبنان و کشورهای همسایه آن به ویژه سوریه را آغاز کنند •

جوزف کوربا، رئیس آژانس امنیتی آمریکا، در اوائل سال جاری گفته است:

"نتیجه‌ای که در لبنان حاصل شود کم اهمیت تر از خلیج فارس است، چه این منطقه یکی از مراکز ثقل سیاسی جهان به شمار می‌رود •

چنانکه روشن است این ارزیابی نواستعماری در رابطه با خلیج فارس، نحوه عمل و همدستی سیاست امپریالیسم آمریکا را در منطقه خلیج فارس تعیین می‌کند • در ماه اکتبر، یک ناوگروه که چند ناو هواپیمابر نیز در بین آنان بود به سوی این منطقه حرکت کردند • علاوه بر آن دو هزار تفنگدار آمریکایی نیز، به سوی خلیج روانه شدند • "خطر توسعه" جنگ سه ساله بین ایران و عراق، بهانه بسیار سهل‌الوصولی برای انجام این کار بود • جنگی که اغلب ناظرین بر بی‌معنی بودن آن اذعان دارند و تأکید می‌کنند که در جهت نقشه‌های آمریکا برای تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه و تأمین کنترل خود بر آن سیر می‌کند •

آمریکاییان، استراتژی مشابهی را در قبال شبه قاره هند پی می‌گیرد • بلافاصله پس از پایان "گشت و گذار" و این برگرداندن و کشورهای همجوار آن، ستاد ارتش پاکستان، واحد های نظامی خود را در مرزهای هند افزایش داد • چنانکه از نقشه‌های جنگی منتشر شده در مطبوعات آمریکایی بر می‌آید بخشی از مناطق مرزی هند، در شعاع همسایگی قرار فرماندهی مرکزی نیروهای مداخله سریع قرار دارد • این نیروها که تمامی مناطق مجاور اقیانوس هند را نشانه گرفته‌اند، به سلاحهای اتمی انبار شده - از جمله در جزیره "دیگو گارسیا" مجهزند •

با توجه به اینکه آمریکا، در نظر دارد این منطقه را در درگیری‌های "شرق و غرب" وارد سازد - و مشتعل بودن منازعات منطقه‌ای بین کشورها، این امکان را به خوبی در اختیار او قرار می‌دهد - درجه خطری که خلقهای منطقه را تهدید می‌کند آشکارتر می‌گردد •

این مسئله که کدام نقطه از جهان هدف



تفنگداران آمریکایی در حال پیاده شدن در گرنادا!

امیدوار است • برای آمریکا و هم پیمانانش در ناتو، عاقبت کاربرد مکانیسم پیمان نظامی که شعاع عمل آن در اروپا صحنه برخورد نیروهای عمده "شرق و غرب" را نیز در بر می‌گیرد، روشن است • چنین عملی، امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد • این فعالیتها، درست در لحظه‌ای انجام می‌شود که اوضاع در اروپا هر لحظه متشنج تر می‌گردد • زیرا واشنگتن در نظر دارد به هر قیمتی که شده موشکهای پرشینگ ۲ و کروز را که استقرار آنها این روزها آغاز شده است - نصب کند • هدف نظامیگران آمریکایی و ستگیری عمومی آنان در جهت ادامه مسابقه تسلیحاتی، عملکرد جهانی واشنگتن را نمایان تر می‌سازد • آنان تنها در پی اجرای طرحها و نقشه‌هایی هستند که به استراتژی عمومی آمریکا - لیسم آمریکا - جامه عمل ببوشاند • استراتژی‌های بقیه در صفحه ۷

در اروپا، چند سال قبل، پیش‌گویی کرده بود که "اگر جنگ جهانی دیگری بوقوع بپیوندد، احتمالا در محور خاور نزدیک - خلیج فارس - اقیانوس هند آغاز خواهد شد" • این "پیش‌گویی"، افکار پشت پرده ای را بازگو می‌کند که دولت ریگان هر از چندگاهی به طرق گوناگون تکرار می‌کند •

## هدف این دکترین امپریالیستی چیست؟

طبق دکترین پشنگاون، هر "جنگ منطقه‌ای" می‌تواند، آتش خصامات را در صحنه‌های دیگر جهان که به نوبه خود، در حال منازعه اند شعله ورتر سازد و هدف جنگ افروزان • و تشنج فزاینده آمریکا را تأمین کند • در اوائل سال جاری، سناریوی موجزی منتشر شد که در آن از بسیج تدریجی و عمومی کشورهای ناتو، با توجه به تمام عواقب آن، در صورت بروز یک درگیری در

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

بیانیه حزب کمونیست بریتانیا:

سرکوب حزب توده ایران، نشانه دور شدن از شعارها و دستاوردهای انقلاب مردم ایران است

در سی و هشتمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا که از ۱۲ تا ۱۴ نوامبر ۸۲ در لندن برگزار شد، بیانیه‌ای پیرامون اوضاع ایران و یورش نا - جوانمردانه به حزب توده ایران صادر شد. متن این بیانیه چنین است:
" این کنگره یورش مقامات دولتی ج ۱۰۱۰ به اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک را شدیداً محکوم می‌کند. ما معتقدیم که این بی - گردها و تضییقات نشانه دور شدن از شعارها و دستاوردهای انقلاب فوری ( بهمن ) ۱۹۷۹ ( ۱۳۵۷ ) است. حزب توده ایران در جهت دفاع از استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران پیگیرانه پیکار کرده است. با مقامات مسئول ایرانی می‌خواهیم که تمام

رفقای توده‌های در بند و دیگر نیروهای پیشرو را که قانون شکنانه بازداشت شده‌اند آزاد سازد. ما همچنین خواستار آنیم که به سازمان ملل متحد، ضلیب سرخ بین‌المللی، و دیگر سازمان‌ها و نهاد های شناخته شده بین‌المللی این اجازه داده شود تا با تمامی زندانیان سیاسی ملاقات کرده و از وضع سلامت و محیط زندان با خبر شوند.
ما بار دیگر بر همبستگی خود با حزب توده ایران تأکید می‌ورزیم و تمام دمکراتها و رهروان جنبش کارگری را دعوت می‌کنیم تا با اسلام همبستگی با این حزب از فعالیت‌های دفاعی کمیته دفاع از انقلاب ایران پشتیبانی کنند و به آن یاری رسانند "

نامه خوانندگان

نامه‌ها و اشعار زیادی به " راه توده " می‌رسد که متأسفانه به علت کثرت مطالب و محدود بودن صفحات این هفته نامه، انعکاس تمامی آنها ممکن نیست. از این رو، ما همواره کوشیدیم تا با تنظیم حداقل - دریافت این نامه‌ها و اشعار را به اطلاع خوانندگانمان برسانیم.
در باره " مقالاتی که برخی از خوانندگان " راه توده " برای ما ارسال می‌دارند، یادآوری این نکته لازم است که با توجه به مضمون و پاسخگویی مطالب آنها به مسائل مبرم روز، در صورت همه سویه و مفید بودن به چاپ خواهند رسید. بهر حال، پاره‌ای از نکته‌ها، آمار و فاکت های این نوشته‌ها، در مقالات جداگانه‌ای مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

عکس‌ها و نقاشی‌ها و پوسته‌هایی نیز که به دفتر تحریریه می‌رسد، به تناوب و با توجه به محتوای آن‌ها در صفحات گوناگون " راه توده " به چاپ می‌رسند. با تشکر از تمام رفقا و دوستی که با ارسال مطلب، شعر، نامه و نقاشی به فنی - تر شدن محتوای " راه توده " یاری می‌رسانند، به تعدادی از نامه‌های رسیده پاسخ می‌دهیم:
• دوست عزیز کمیتر، از اینکه محبت کسرد به اشعار و دو بیت‌های تازه و قدیمتان را برای " راه توده " فرستاد ما بدستشکرم.
• دوست عزیز وارطان، نامه محبت آمیز شما نسبت به حزب توده‌های، به " راه توده " رسید. ما نیز معتقدیم که " حزب ما از این آزمایش تاریخی نیز به همت نسل جوان توده‌های و پاکار - بست تجربه سالها رنج و پیکار، سر بلند بیرون خواهد آمد. "

• دوست عزیز از ایتالیا، نقاشی هایتان را که با عنوان " آن رنده‌ها کجا و این هدیه‌ها کجا " برای ما ارسال کرده بودید رسید.
• دوست عزیز بهرنگ از انگلستان، شعر شما به حزب توده ایران " که با بیت " نگبورد شعله مشعل خموشی / که آن را زندگی خواهد فزونی " پایان می‌یابد رسید.
• دوست عزیزم " که از هندوستان، مطالبی که برای " راه توده " ارسال داشته بودید به دست ما رسید.
• دوست عزیزم " سنگالی، از برلن غربی مقاله‌ای که پیرامون جنگ ایران و عراق برای " راه توده " نوشته بودید رسید. به مستدل بودن مقالاتی که می‌نویسید توجه بیشتری بکنید. با آرزوی موفقیت شما!

توجه

به علت کمبود جا و تراکم مطالب، درج بخش اعظم پیام های همبستگی سازمانها و محافل مترقی و دمکرات بین‌المللی و نیز مقالات رسیده را به شماره آینده موکول می‌کنیم.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به سی و هشتمین کنگره ملی حزب کمونیست بریتانیا

رفقای گرامی:
اجازه دهید، تا به نام کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضا و هواداران حزب، درود های آتشین خود را به شما تقدیم دارم و پیروزی شما را در امر تدوین استراتژی و تاکتیک حزب پرافتخارتان، برای دوران آینده خواستار شوم.
به هنگامی که طبقه کارگر بریتانیا با یورش همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع این کشور روبروست و محافل سرمایه داری بریتانیا، هر چه بیشتر در راه باز پس گرفتن حقیق حقه زحمت - کشان تلاش می‌ورزد، وظایف بس خطیر در برابر کمونیست های بریتانیا قرار می‌گیرد. ما اطمینان قاطع داریم، که حزب کمونیست بریتانیا کبیر، همگام با دیگر نیروهای صلح جو، ضد بورژوازی و مترقی بریتانیا، همچون سد استواری در برابر دسیسه های آزمندانه و سود افزایانه طبقات استثمارگر خواهد بود. ما به ویژه برای جنبش شکوفان صلح بریتانیا، که با تظاهرات توده‌های خود علیه توطئه های نظامی گرایانه امپریالیسم آمریکا و پیمان تجاوز کار " ناتو "، از جمله و به خصوص استقرار موشک های میان برد هسته‌ای آمریکا در اروپا، به پیکار برخاسته است، ارج فراوان قائلیم. "

در ادامه این پیام با اشاره به اوضاع کنونی ایران و چرخش به راست در حاکمیت ج ۱۰۱۰ گفته شده است:
" اکنون، به اعتراف محافل رسمی، نزدیک به ده هزار توده‌ای، در سیاه چاله‌های ج ۱۰۰ بسر می‌برند و کوچکترین خبری از آنها نیست. رژیم ج ۱۰۰ به کمک کارشناسان " سیا " و " اینتلجینست سرویس " و به دست ساواکی های شاهنشاهی، آزادی توده‌ها و دیگر زندانیان سیاسی انقلابی را طلب کنید!
ما به نوبه خود، خواهان تعمیق هر چه بیشتر مناسبات میان حزب توده ایران و حزب کمونیست بریتانیا کبیر، بر پایه " مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، هستیم.
پیروز باد سی و هشتمین کنگره ملی حزب کمونیست بریتانیا کبیر!

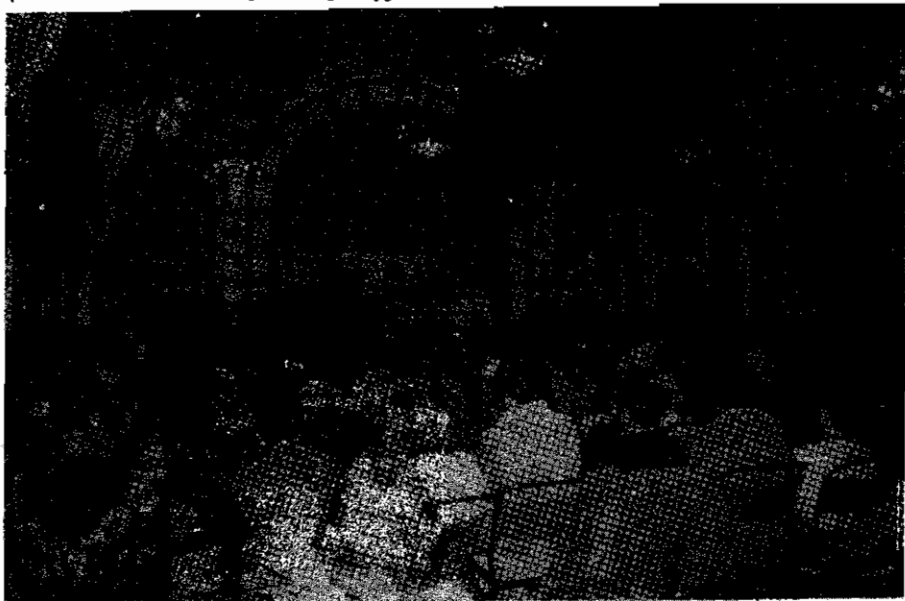
# احزاب کارگری جهان، سالگرد چهل و دومین سال تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را گرامی داشتند

در مراسم با شکوهی که شنبه ۱۲ نوامبر در لندن برگزار گردید، صد ها نفر از کمونیست ها ، افراد مترقی و نمایندگان احزاب برادر در انگلستان یکبار دیگر همبستگی پر شور خود را با حزب توده ایران اعلام کردند .

در ابتدای این مراسم، نماینده سازمان هواداران حزب توده ایران در بریتانیا ضمن تشکر از حضار و عرض تبریک ۴۲-مین سالگرد حزب توده ایران به تشریح اوضاع ایران و چگونگی حمله ارتجاع به حزب توده ایران پرداخت و در پایان از ابراز همبستگی پرشکوه سازمانها و احزاب مترقی با حزب توده ایران تشکر کرد . سپس پیام کمیته مرکزی حزب

استعمار " لیبرشن " را به اطلاعاتن برسانم . . . . پرچم پرافتخار حزب توده ایران بجای والائی در جنبش کارگری و کمونیستی جهان دارد که نتیجه مبارزه فرور انگیز حزب توده ایران ، در راه آزادی طبقه کارگر ایران از یوغ

امپریالیسم و ارتجاع است . ما همبستگی بی دریغ خود را با شما اعلام می کنیم و هر چه در توان داریم در این راه ، در راه دفاع از حزب توده ایران و تودهای های در بند به کار خواهیم گرفت . . . . نماینده سازمان هواداران فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) در بریتانیا نیز ضمن شادباش این روز فرخنده ، به اعضا و هواداران حزب توده ایران و فدائیان خلق و اعلام



کمونیست آفریقای جنوبی قرائت کردید . در بخشی از این پیام آمده است :

" سابقه پرافتخار حزب توده ایران ، در مبارزه علیه رژیم شاه برای همیشه در تاریخ ثبت شده است . . . . به رغم تمام دشواری ها ، سالگرد حزب شما ، مناسبت شادی آوری است که تمامی جنبش کارگری و کمونیستی ، آن را جشن می گیرد .

پیروزی از آن شمامست . زنده باد حزب توده ایران . "

این بخش از پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی ، در واقع مضمون اصلی دهها پیام همبستگی دیگری بود که از طرف احزاب کمونیست و از جمله حزب کمونیست عراق ، حزب کمونیست شیلی ، حزب کمونیست پرتغال ، حزب کمونیست یونان ، حزب کمونیست قبرس ( آکل ) و حزب کمونیست سوئدان خواننده شد .

رفیق تونی گیلبرت دبیر کل سازمان پر نفوذ و معتبر مبارزه علیه استعمار " لیبرشن " در سخنرانی پرشوری از جمله گفت : " برای من افتخار بزرگی است که در این جا ، همبستگی خود و اعضای سازمان مبارزه علیه

حمايت بی دریغ خود از حزب توده ایران ، خلاصهای از پیام شادباش کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) را به مناسبت ۴۲-مین سالگرد حزب توده ایران خواند .

پیامهای شادباش مشابهی از طرف اعضاء و هواداران حزب کمونیست اسرائیل و ترکیه ، جبهه دمکراتیک برای آزادی جمهوری یمن - و انجمن دانشجویان کرد در اروپا و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا دریافت گردید .

جلسه با سخنرانی رفیق مسئول حزب توده ایران که با ابراز احساسات پر شور و کف زدنهای متدحاضرین روبرو شده ، ادامه یافت . وی طی سخنرانی کوتاهی ، که همزمان به انگلیسی ترجمه شد ، به تشریح علل و ریشه شکست فلهلیدن انقلاب و علل حمله به حزب توده ایران پرداخت و از تمامی احزاب و سازمانهای مترقی که همبستگی خود را با حزب توده ایران اعلام کرده بودند ، تشکر نمود . این جلسه با ابراز احساسات شدید حاضرین و شعار درود بر حزب توده ایران به پایان رسید .

## آمریکاباد می کارد . . . .

بقیه از صفحه ۵

که جز پایمال کردن منافع تمام کشورها و غارت ملل محروم و تأمین منافع آژمنده و خسود - خواهانه مجتمع صنعتی - نظامی امپریالیستی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و کسب هژمونی جهانی او ، هدف دیگری را دنبال نمی کند . چنانکه یوری آندرف در ۲۸ سپتامبر سال جاری گفت :

" خواستن و توانستن ، دو مقوله بسیار متفاوت و جدا از یکدیگرند هیچ کس قادر نیست چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند . "

سیاست دولت ریگان ، در سالهای اخیر ، در رابطه با هیچ يك از این مناطق موفقیت آمیز نبوده است . بدین دلیل نیز دولت ریگان ناگزیر است ، نقاط دیگری را در نظر گیرد تا به منافع حیاتی " خود برسد . اما در این مناطق چه چیزی در انتظار سیاستمداران آمریکائی است ؟ توده های مردمی که برای چندمین بار در خیابانهای شیلی سینه های خود را در مقابل گلوله های گارد ملی پینوشه سپری می کنند ؛ تظاهرات مردمی در پاکستان ، که دامنه آن امر ایمن استان به آن استان گسترده تر می گردید ؛ ادامه ناآرامی ها در فیلیپین . . . .

مطمئناً اوضاع در این کشورها متفاوت است . اما نقطه اشتراك در این است که هر کدام از این کشورها ( نه تنها سه کشور نامبرده ) ، در نظر آمریکا حلقه های از استراتژی عمومی آن په شمار می روند . حفظ مواضع آمریکا در این کشورها ، پیش شرط ادامه سنگینی تجاوزکارانه دولت ریگان است که دیگر نمی تواند در ایمن پایگاههای مطمئن و در پشت جبهه پسا برجا بماند . اکنون ستونهای اصلی این پایگاهها به لرزش در آمده اند ، آنهم تنها با جرعه هایی بسیار کوچک ، در عرض چند ماه و یا هفته ، هم زمان در کشورهای بسیار دور افتاده از هم . در کشورهای با فرهنگ و سنن گوناگون .

نسل جوان در بسیاری از کشورهای بزرگ در " جهان سوم " به خاطر استقلال و آزادی په پا می خیزد . اما تحقق بخشیدن به این خواست های حق طلبانه در شرایطی که یوغ امپریالیستی بر گردن ملل این کشورهاست ، شدنی نیست . این توده های بیخاسته ، علیه فقر پیکار می کنند . فقری که در نتیجه بهره کشی استعماری " رشد کرده است . مردم این کشورها خواهان امنیت اند . اما واشنگتن به سربازانی نیاز دارد که به جای سربازان خودی و یا در کنار آنان به سوی مرگ روانه کند و به پایگاههایی نیاز دارد ، که ضربات تلافی جویانه طرف مقابل متوجه این کشورها باشد .

با توجه به این واقعیت ها ، آیا عجیب است که جنبش مردمی در آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین پیوسته رنگ و اهداف ضد آمریکائی تری به خود می گیرند ؟ در این رابطه باید تصریح کرد تنها اعمال سیاست های نظامی گرایانه و آشکار امپریالیستی واشنگتن است که چنین جنبش های ضد امپریالیستی را بر می انگیزد .

# مسائل انقلاب و مواضع ما: فرخ نگهدار، د

## موضع کنونی امپریالیسم در راه موضع اتحاد شوروی در

در پیش گیرد. نیروهای راستگرا و مرتجع سیاست و روش سازمان ما و سایر دو اردوی سوسیالیسم و امپریالیسم و سایر روشها را از میان برداشته اند. ما را از مبارزات منع کردند. اکنون دادگاههای اتحاد شوروی دوست بزرگ خلق خلق ماست دفاع می کنند. حکم با صراحت و صمیمیت به مردم خطرناک و جنایتکار خلق ما و دوست بزرگ و وطن خلق ما و

در سوی دیگر کشورهای سوسیالیستی قرار دارند. اتحاد شوروی دوست بزرگ و نیرومند استقلال و آزادی کشور ما و پشتیبان مطمئن انقلاب مردم ماست. سیاست اتحاد شوروی در طول سالها، حتی از انقلاب کبیر اکتبر به این سو سیاست ثابتی بوده است که جهت اساسی آن کمک به استقلال کشور و قرار گرفتن آن در مسیر پیشرفت بوده است. اتحاد شوروی همواره خلق ما را در مبارزه علیه امپریالیسمهای انگلیسی و امریکایی یاری داده است. من فقط به این واقصت اشاره می کنم که اگر اتحاد شوروی و یا به زبان دیگر انقلاب اکتبر نبود امپریالیسم انگلیس و امریکا تاکنون بارها خاک کشور ما را جولانگاه ارتش خود ساخته بودند. قرارداد ۱۹۲۱ که حکومت ایران لغو یک جانبه آنرا اعلام کرده است طی ۶۰ سال عملاً مانع از آن بوده است که امپریالیسم با کشور ما همان رفتاری را داشته باشد که قبل از آن داشتند. اتحاد شوروی متحد بزرگ خلق ما و خلق های تمام کشورهای است. تاکنون هیچ انقلابی در هیچ کشوری به پیروزی نرسیده است که اتحاد شوروی پشتیبان آن نبوده باشد. در کره خاک هیچ حکومتی وجود ندارد که سیاست ملی و مردمی را دنبال کند. اما با اتحاد شوروی مناسبات عمیق دوستی و اعتماد برقرار نکرده است. تمام کشورهای که به نحوی از انقلاب ما پشتیبانی کرده اند همه و همه رابطه دوستانه با اتحاد شوروی داشته اند و این کشور را متحد وفادار و مطمئن خود یافته اند. همه دولت هایی که به نحوی در توطئه علیه ما مشارکت کرده اند کشورهای هستند که سیاست ضد شوروی را دنبال می کنند.

اما حکومت جمهوری اسلامی ایران تاکنون همیشه نه تنها این واقصت را پنهان کرده است، بلکه همگی آنرا تبلیغ کرده است. نه فرقی نه فرقی، همان اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است. اما عملاً نه تنها هیچ گام اساسی در راه قطع وابستگی اقتصاد کشور به غرب برداشته نشده است، بلکه زیر پوشش نه فرقی نه فرقی در جمهوری اسلامی ایران اینطور وانمود می شود که گویا اتحاد شوروی دشمن خلق ماست تا تحکیم وابستگی به امپریالیسم توجیه شود.

در سه سال اول انقلاب جهت گیری ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی باعث می شد که حمله به اتحاد شوروی، گناه همان ابتدا توسط راستگرایان درخواست می شد، ایجاد وسیع پیدا نکند و بصورت یک تهدید جدی علیه انقلاب مطرح نیاید. اما طی یکسال اخیر سیاست حکومت نسبت به قبل عوض شده است. امروز اعلام می شود که اتحاد شوروی بدتر از امریکا و انگلیس است و این حرف خیلی هتای می دهد. امروز ایران هم حاضر شده است در توطئه امپریالیستی جدیدی شرکت جوید که علیه اتحاد شوروی در یکسال اخیر در بسیاری از کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی به رهبری امپریالیسم امریکا راه انداخته شده است. مطابق این توطئه به شکلی تقریباً همزمان این کشورها هیات های نمایندگی اتحاد شوروی را متهم به جاسوسی کرده و دست به اخراج آنان زدند. ایران با مشارکت در این توطئه نه تنها خود را تا حد ارتجاعی ترین کشورهای وابسته به غرب تنزل داد، بلکه به اعتبار گردید، بلکه با تلاش برای اخراج در مناسبات هادی با اتحاد شوروی جهت گیری سیاسی راستگرایانه و ارتجاعی خود را شدت و شتاب تازهتری بخشید.

در حال امروز انقلابیون واقعی در سراسر جهان آموخته اند که سیاست ضد شوروی و ضد کمونیستی یک روی سکه ای است که روی دیگری سیاست هم سازش، هم تسلیم به امپریالیسم امریکاست. نمونه مصر نمونه گاملاً گویایی است. من فکر می کنم تا زمانی که وضع در همین روال پیش می رود راستگرایان حاکم کوشش خواهند کرد فریاد باز هم بیشتری به مناسبات ایران و شوروی و در نتیجه زبانه های باز هم بیشتری به منافع ملی کشور ما وارد کنند. اکنون ما در شرایطی بسر می بریم که امپریالیسم با سیاست خلاق و شیرینی شادمانه می کوشند این روال را تسریع کنند. اردوی سوسیالیسم و دیگر متحدان انقلاب ما با نگرانی روزافزون رویدادهای کشور ما را دنبال می کنند و آرزو دارند که خلق ما موفق گردد راه خود را بسوی آزادی و شکوفایی

پرسش: موضع کنونی امپریالیسم در رویدادهای اخیر ایران چیست؟ موضع اتحاد شوروی در این رابطه چیه است؟ پاسخ: امپریالیسم امریکا در طول تاریخ علیه استقلال و آزادی مردم ما توطئه کرده است. مردم ایران نظریتهای ناپذیری نسبت به امپریالیسم جهانی بویژه نسبت به امپریالیسم امریکا در دل دارند. اعمال فشار برای درهم شکستن جمهوری اسلامی و با تبدیل تدریجی و با ناگهانی جمهوری اسلامی به یک حکومت "اسلامی" نظیر پاکستان و با مرستان هدفی است که هیچگاه امپریالیسم امریکا از آن غافل نبوده است. تحریک عراق به تهاجم به ایران، تدارک توطئه های کودتایی، اشاعه تروریسم، محاصره اقتصادی و تهدیدات نظامی بویژه تشکیل و گسترش نیروی واکنش سریع از جمله اهرمهایی است که امپریالیسم امریکا در ۵-۴ سال اخیر برای درهم شکستن جمهوری اسلامی و با تضعیف نیروهای مدافع انقلاب در حکومت و بازگردن راه برای غلبه دست راستی ها بکار گرفته است.

با غلبه سیاست راستگرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی بخاطر می رسد امپریالیسم امریکا و متحدان غیراندر در سیاست خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییرات مهمی بعمل آورده اند. آنها اکنون سیاست خلاق و شیرینی را اعمال می کنند. آنها در عین حال که به تهدیدات و قدرت نمایی های نظامی و آماده سازی نیروهای خود ادامه می دهند وانمود می کنند که اگر حکومت ایران به همین سیاست خود ادامه دهد می تواند مورد حمایت غرب قرار گیرد.

کفرانسی و پلما بزرگ را باید نقطه مطلق در مناسبات امپریالیسم با حکومت ایران تلقی کرد. امپریالیسم تاکنون با حکومت ایران به نحوی رفتار می کنند که این حکومت بخاطر باورد که مناسبات حکومت شاه با امپریالیسم می باید الگو قرار گیرد. امپریالیسم می کوشد به حکومت ایران تفهیم کند که "عشور رفتاری" با دوستان و جاسوسان امپریالیسم در ایران و سرکوب نیروهای انقلابی، بویژه کمونیستها و ایجاد خصومت با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و زهار کردن اصلاحات بنیادین و تحکیم راه رشد سرمایه داری در کشور از سوی امپریالیسم بی پاداشی نخواهد ماند.

امپریالیسم در مقابل اتحاد سیاست راستگرایانه حکومت علاوه بر وعده های شیرین به سرمایه داری ایران از تبلیغات ضد ایرانی و ضد حکومتی خود کاسته است. به اردوهای بی سی و صدای امریکا و کلن و اسرائیل گوش کنید و آنها را با چند ماه پیش مقایسه کنید مطلب خود بخود دستگیرتان خواهد شد. امپریالیسم در عرصه تبلیغات فعلاً دوره سکوت توأم با تأخیر را پشت سر می گذارد.

حکومت ایران همچنان تلاش دارد جریان خریدهای تبلیغاتی از غرب متکوم بماند. اما این دیگر پنهان کردن نیست که خرید اسلحه از غرب بویژه امریکا روهوشونی است. برخی از محافظ حاکم هنوز بود خود نمی بینند و با شرم می کنند این موضوع را اعتراف کنند. اما امپریالیسم تا به اوضاع آینده ایران بسیار امیدوارتر شده اند در تبلیغات خود بوجود این رابطه اعتراف می کنند. این کار از نظر آنها برای تشجیع آن دسته از عناصری که هنوز با آرزای به این روابط مینگرند در حال حاضر ضروریست و این کار زمینه های لازم را فراهم می آورد که حکومت جمهوری اسلامی ایران که هنوز می کوشد وانمود کند مواضع ضد امپریالیستی وی تغییر نکرده است. در آینده خود را آماده سازد که به "وجود" و "فروتر" ارتباط و نزدیکی خود با غرب با گستاخی لازم اعتراف کند. ما فکر می کنیم که این رابطه در آینده گسترش بازم بیشتر خواهد یافت. بخصوص ادامه جنگ شتاب بیشتری به این گسترش می بخشد. سازمان های جاسوسی امپریالیسم همکاری موثری را با دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی آغاز کرده اند. در هجوم به حزب توده ایران عملیات فعال سازمان های جاسوسی غرب نقش درجه اول داشته است. چه چیز از این برای امپریالیسم لذت بخش تر که گمانی که سال پیش لانه های سازمان های جاسوسی غرب را در کشور ویران می کردند. امروز برای سرکوب مبین دوستان و انقلابیون دست به دامان همین سازمانها می شوند. هم اکنون اشخاصی نظیر فردوست در راس دستگاه های اطلاعاتی کشور قرار گرفته اند. این امر برای امپریالیسم تا یک موفقیت بسیار بزرگ محسوب می شود. هم اکنون حکومت در حال ایجاد یک وزارتخانه اطلاعات است. امپریالیسم بویژه از طریق مبرم های کارگرفته. ساواک و همزاد وی جنبه زمینه را بسیار مساعد می بیند که این سازمان به یک ساواک جدید تبدیل شود. بزای ما جای هیچ تردیدی نیست که این وزارتخانه ای که در شرایط تسلط سیاست راست بر کشور شکل می گیرد، با توجه به حد نفوذ عمال غرب در این دستگاه های اطلاعاتی کشور، به یک اهرم قوی مبارزات ضد امپریالیستی و سرکوب جنبش تودمائی تبدیل خواهد شد. بهر حال موضوع ارتباط و همکاری موثر سازمان های جاسوسی غرب با حکومت ایران موضوعی است که با رشد گرایش راست در حاکمیت رو به گسترش است.

پرسش: نظر شما درباره رود پاسخ: ما همواره معتقد بودیم اشغال بخشی از خاک مبین سلطانه شد انقلاب به مبین توطئه ای که با مقابلهت ایران ناگام ماند. این توطئه توسط رژیم امریکا و کمک ارتجاع منطقه تدبیر مختلف این دیدگاه در اولی روز نشره کار انتشار یافت. با شروع که با شرکت فعال در دفاع از شکست شود و توطئه امپریالیسم حزب توده ایران و سازمان ما انقلابی را فراروی خود قرار داده است که علیه ما بویژه علیه شده بود هر آنجا که فرصت باز دفاع از انقلاب و مبین انقلابی بود کرد که "متحد سوم و تجاوزات درم کریم". صدها نفر از به تحلق همین شعار درجه های که مقامات مذهبی و سیاسی آ تحقیرها قرار می دادند. با این می توانست انجام داد که مقابله تجاوزکارانه به موفقیت نزدیک شود در اوایل خرداد ۱۳۶۱ بازار در برابر تجاوز امریکایی رژیم یافت. عراق پیشنهاد آتشخس ارائه داد. اما حکومت جمهوری ا نشد و کوشید جنگ را با هدف اسلامی در عراق ادامه دهد. در مرحله برای کسب نیروهای نظامی در عراق آغاز شد. امام خمینی با برای فتح بصره، مردم بصره را از قوای ایران دعوت کرد. اما عملیات بعدی - نه قوای ایران دست باید، و نه مردم عراق به در این مرحله از جنگ حزب "کرا" هشدار دادند که یک توطئه کشانیدن نیروهای ایران بداخل عراق در یک جنگ فرمایشی طول جمهوری اسلامی ایران خواستیم که در این توطئه برهیز کنند. ما به



بخش سوم

ول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# دادهای اخیر ایران چیست؟ این رابطه چگونه است؟

بارها طی این مدت اعلام کردیم ، ما بارها تذکر دادیم که کسانی که سرنوشت جنگ را با سرنوشت صدام و تشکیل جمهوری اسلامی در عراق مربوط می کنند در عمل یک جنگ فرسایشی طولانی راه کشور ما تحصیل می کنند ؛ جنگی که نتایجش فرسایشی قوای انقلاب ایران و بازگردن راه برای غلبه دادن سیاست راست و نیروهای راست در حکومت است . اما مقامات حاکم به هیچک از این هشدارهای دلسوزانه و مبین برستانه ما گوش نکردند و همچنان به سیاست انقلاب برپاداده خود ادامه دادند .

اکنون که فقط اندکی بیش از یکسال از زمان این هشدارها گذشته است بروشنی دیده می شود که جنگ تا چه حد تاثیرات مخرب خود را روی روند تحول اوضاع کشور و سوق دادن آن در جهتی که مطلوب امپریالیسم است باقی گذارده است . حکومت سرنوشتی صدام را عملاً " غرض پایان جنگ اعلام کرد و این یعنی لااقل تا وقتی رژیم کمونی در عراق وجود دارد جنگ هم ادامه خواهد یافت ، درباره پس از آن هم از حالا چیزی نمی توان گفت . این درست همان سیاستی بود که امپریالیسم نیاز داشت . در سایه این سیاست هلاکت بار که تمام جناحهای حکومت از آن طرفداری می کردند . نیروهای ارتجاعی در حکومت جمهوری اسلامی موفق شدند بحرمت مواضع خود رانحکیم بختند . اصلاحات اجتماعی - اقتصادی و اجرای قانون اساسی را به سپاه وجود جنگ معلق کنند . رابطه تطبیحاتی و تجاری ما غرب را باز هم به بهانه نیازهای جنگی و سیاسی گسترش دهند . بخش عمده از سربوهای مردمی و مخلص انقلابی را درجهبه نگاهدارند و بخش مهمی از آنان را به شهادت بفرستند و از سر راه بردارند و بسیاری موفقیت های دیگر . آقای رفسنجانی درنماز جمعه ۲ ماه پیش به مردم اطمینان داد که سایل بسیار مهم کشور ما از حمله درباره مسئله جنگ و صلح شخص امام است که تصمیم گیرنده نهایی است . امام خمینی نیز درآستانه ماه رمضان و پس از آن بارها با صراحت کالی اظهار داشته است : خواهان ادامه جنگ تا روی کار آمدن یک حکومت اسلامی " در عراق است . برای امام امروز صدام حتی بلندتر از امپریالیسم آمریکاست . علاوه اغیراً " در جمهوری اسلامی ایران تعبیر خاص دیگری از شمار "جنگ مسئله اصلی است " ارائه داده می شود .

محافظی در حکومت و پیرامون آن اینطور مطرح می کنند که کوبی "امپریالیسم مسئله اصلی نیست ، صدام مسئله اصلی است " و اس بسیار شمار خطرناک است . تاکنون اینطور بود که صدام بیش از همه توسط کشورهای ارتجاعی عرب تقویت و حمایت می شده کشورهای کمبش از همه به امپریالیسم وابستگی داشتند . اکنون سیم آن می رود که در جمهوری اسلامی ایران سیاستی در پیش گرفته شود که به امپریالیسم می گوید : " در هر حال ایران برای شما خیلی بهتر از عراق است ، بجای صدام از ما حمایت کنید " فلا " از شمار جنگ مسئله اصلی است چنین برمی آید که جنگ عمده ترین خطر برای انقلاب است و بنابراین باید بیش از همه مورد توجه قرار گیرد . اما اکنون خیلی خیلی ماهرانه می خواهند با استفاده از شمارگی که آنگذر کینه شده که دیگر امروز دروغ محض است سازش با امپریالیسم و کلان سرمایه داری و بزرگ مالگی را توجیه کنند . اغیراً آقای بانکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه بودجه که درتحکیم نظامات سرمایه داری و وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم نقش فعالی دارد . در مصاحبه با روزنامه کیهان (۲۴ شهریور ماه ۶۲) گفته است : جنگ سبب حرکت های سازنده در این مملکت شد و به عقیده من جنگ در دنیا همیشه عامل پیشرفت اقتصادی و صنعتی شده است . دراینجا همان برومهای می تواند درحال گسترش باشد که در مصر در آغاز حکومت پادای گسترش یافت . در آن زمان سادات اینطور عنوان می کرد که : کلید حل مساله غاوریانه در دست آمریکاست و ادامه حمایت آمریکا از اسرائیل مانع عمدتاً من حقوق آمریکاست . بنابر

ن بسیار تلاش کردند که بین روش حزب توده ایران نسبت به شکاف بیندازند . آنها بانواع مختلف و از پایبندی به آنها رای کسانی که از این حقیقت که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی رب " صادر می کنند . ما همچنان کوبیم امپریالیسم آمریکا دشمن شریعت ماست و اتحاد شوروی معلق است .

ک ایران و عراق چیست ؟ که تجاوز نظامی عراق با ایران و ک توطئه خطرناک برای صدور سرنوشتی انقلاب بوده است . قی ما به نتیجه مطلوب نرسید و برای و به تحریک امپریالیسم دیده شده بود . تشریح جوانب آغاز جنگ در صبرماه ۱۳۵۹ در تجاوز و طبعه انقلابی حکم می کرد انقلابی این تجاوز آشکار درهم ی صدور ضد انقلاب غشی شود . اگرگانه و صادقانه همین وظیفه و علیه تمام تحریکات و ت فعال ما در جنگ تدارک دیده در جنبه ها و پشت جنبه ها به شتم ، سازمان ما از مردم دعوت میالیسم آمریکا و رژیم صدام را ن رفتاری فدائی و تودهای ما در ، در حالی به شهادت رسیدند را مورد زشت ترین توهین ها و نال سازمان ما واقعا " هرآنچه خلق ما در مقابل این توطئه

غرضش دفاع حماسی مردم ما ام به پیروزیهای عظیمی دست بلخ بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ را بی ایران حاضر به ترک مقاصد نگوئی صدام و تشکیل جمهوری منظور عملیات نظامی در چند عراق و استقرار جمهوری اسلامی ، بیش هنگام تهاجم قوای ایران ام علیه رژیم صدام و استقبال مل - نه در آن عملیات ونه در نام غد به هدفهای اعلام شده امام پاسخ مثبت دادند .

ایران و سازمان فدائیان خلق امپریالیستی خطرناک با هدف قی و درگیر نگهداشتن ایران و برحال گسترش است ما از حکومت هشاری و واقع بینی از فلتیدن ت خود را با ادامه جنگ بارها و

این اگر ما سیاستی درپیش گیریم که آمریکا بود خود را در حمایت از اسرائیل نبیند و درحمایت از اشراط ببیند اشراط خواهند توانست ازهمه اسرائیل برآیند . اما ازهمان اول معلوم بود که این حربها " مرنا " بهانه ایست برای توجه سازش با امپریالیسم و صهیونیسم زیر پوشش های ضد اسرائیلی . اکنون هم در جمهوری اسلامی این حرف خیلی تبلیغ می شود که آمریکا باعث ادامه جنگ است اگر حمایت خود را از صدام قطع کند ایران یک روزه کار را تمام خواهد کرد . هر انقلابی صادقی اصلاً نمی تواند در این فکر نباشد که هم اکنون سیاست راست در حکومت جمهوری اسلامی ایران خود را آماده کرده است که پیشنهاد قطع حمایت غرب از عراق را وسیله نزدیکی و کنار آمدن خود با آن قرار دهد .

با این حال باید فهمید که مسئله جنگ ایران و عراق و آینده آن مسطهای بسیار بفرنج است که می تواند آستان حوادث متفاوتی باشد . پیش بینی روندهای بعدی در ایران و بویژه در عراق که چگونه و در کدام جهت گسترش خواهد یافت بسیار دشوار و حتی در بسیاری موارد " فلا " غیرممکن است . ما باید همواره بخاطر داشته باشیم که رابطه جنگ با سنگبری دیگر حوادث در ایران و عراق به هیچوجه مسئله ساده ای نیست ، ولی در هر حال بنظر من یک چیز روشن است و آن اینکه در موقعیت کنونی سیاست غالب بر کشور ما سیاست عدم پذیرش آتش بس و ادامه جنگ بهر قیمت است .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قطع نظر از اینکه در ایران با عراق در زمینه ملی و بین المللی کدام سیاست غلبه کند و قطع نظر از اینکه درجهبه های جنگ کدام نیرو برتری باید موافق این اصل بوده و هست و خواهد بود که این جنگ بسود امپریالیسم و برترجمین و زمان آن نصیب ملت های دو کشور و نیروهای مترقی ایران ، عراق و منطقه خواهد بود . ما خواهان قطع فوری جنگ و استقرار صلح بر اساس عدم تجاوز ، حفظ تمامیت ارضی طرفین و احترام به استقلال هر دو کشور هستیم و خواهیم بود . ما براین عقیده ایم که ادامه جنگ راه حل هیچک از اختلافات موجود بین دو کشور نیست . این اختلافات هرچه باشد می تواند و باید از راه مذاکره و از طریق سیاسی دیگر حل و فصل گردد .

تودهای ملیون مردم همین ما نیز همین را می خواهند آنها از ادامه این جنگ بیش از پیش متنفر می شوند . مردم هیچ انگیزه ای برای تحمل بار جنگ ندارند . مردم از این وضع خسته شده اند . مردم بدتر می بینند که حاصل سیاستی که حکومت در این جنگ دنبال می کند جز ویرانی و گشتار و تحمل محرومیت های بیشتر هیچ چیز دیگری نیست . حکومت نیز برای ادامه جنگ تنها یک راه دارد . افزایش فشار بر مردم . مردم خواهان پایان یافتن فوری این جنگ هستند . سازمان ما از این خواست برحق ، انسانی و عادلانه مردم کاملاً " دفاع می کند . خود مردم امروز به نحو روزافزونی ناراضی عصبی خود را از سیاست ادامه جنگ که توسط حکومت دنبال می شود نشان می دهند . مردم می گویند حکومت را وادار سازند که به این خواست مشروع آنان عمل کند .

پورش : حاکمیت جمهوری اسلامی با دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران نشان داده است که به گستاخانه ترین شکل ممکن تهدیدات خود در مقابل مردم را لگدال می کند . حکومت جمهوری اسلامی نشان داد که در برخورد با سازمانها و احزاب سیاسی مستقل و مترقی و یگانه و منافقانه برخورد می کند . نظر شما در این باره چیست ؟

پاسخ : دستگیری و سپس شکنجه رهبران حزب توده ایران چنان نفرت انگیز و جنایتکارانه است که همچون لکه ننگی زایل ناشدنی ، برای سالبان ، خشم و اعتراض خلقهای سراسر جهان را نسبت به عاملین آن به همراه خواهد داشت . امپریالیسم ، ضد انقلاب و راستگرایان که طراحان اصلی این جنایت بوده اند خوب می دانستند که معنی دستگیری و شکنجه رهبران حزب چیست . آنها با این کار موثرترین ضربه هولناک را بر پیگر انقلاب ایران وارد ساختند . بویژه آنها زاویه وارد کردن این ضربه را چنان انتخاب کردند که به روابط ایران و اتحاد شوروی نیز بیشترین لطامت وارد شود . آنها تمام خیانت خود را بکار بستند که دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران بطور مشخص جنبه یک حرکت ضد شوروی بخود بگیرد و روابط مادی دو کشور را هدف قرار دهد . این کار برای کشاندن کشور به آغوش امپریالیسم مطلقاً " ضروری بود .

واقعیت اینست که حکومت جمهوری اسلامی ایران با اقدام به پورش به حزب ، دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران نقشه های را که برزیسکی ، مشاور امنیتی کارتر طراحی کرده بود . تمام و کمال بقیه در صفحه ۱۰

## مسائل انقلاب و مواضع ما

بقیه از صفحه ۹

به اجراء درآورد. بسیاری از مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی ایران چه آنانکه از بدو تشکیل جمهوری در پی اجرای چنین توطئه‌ای بودند و چه کسانی که بعدها با این نقشه موافقت کرده‌اند طبعاً بر عواقب هلاکت‌بار این اقدام برای انقلاب ایران کاملاً آگاه بوده‌اند. با این حال در بین عناصر ضدامپریالیست در حکومت جمهوری اسلامی هنوز افرادی وجود دارند که نتوانسته‌اند تمام ابعاد بی‌آمدهای این هجوم را بفهمند. آنها هنوز رابطه بین هجوم به حزب و تعلق اصلاحات بنیادین، رابطه بین تشدید جو ضدکمونیستی و ضد شوروی و تصمیمات اخیر کنفرانس ویلیامزبورگ و یا رابطه بین سرکوب توده‌ایها و نزدیکی بازار به حکومت را درک نکرده‌اند. اینها عناصر صادق و ساده‌ای هستند که قادر نیستند بفرنجی پدیده‌ها را همانگونه که هست، تشخیص دهند. لیکن این عناصر در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌ساز نیستند، و من نمی‌توانم باور کنم که مسئولین طراز اول حکومتی متوجه این رابطه‌ها نباشند و شخصاً باور نکرده باشند که سرکوب حزب نشانه آغاز سیر برگشت انقلاب است. حکومت ایران رباکارانه و بمنظور فریب مردم اعلام کرده است که رهبران حزب بخاطر "جاسوسی بشفق شرق" دستگیر شده‌اند و حزب هم به همین دلیل منحل اعلام شده است. اما این حرفها نمی‌تواند مردم را فریب دهد. همان می‌دانند که حزب بعثت فعالیت بی‌گیر میهن پرستانه و انقلابی مورد هجوم قرار گرفته است، و از قبل هم مشخص بود که چنانچه سیر برگشت انقلاب آغاز شود و حتی برای اینکه سیر برگشت انقلاب آغاز شود، سرکوب حزب توده ایران ضروری خواهد بود. اینکه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را به جاسوسی متهم بکنند اصلاً چیز تازه‌ای نیست، این اتهامی است که مرتجع‌ترین طبقات اجتماعی و بویژه سرمایه‌داران طرفدار غرب در تمام کشورها از دیرباز نسبت به تمام احزاب طبقه کارگر و در تمام کشورها وارد کرده‌اند. همواره در طول تاریخ بیگانه‌پرستان واقعی، آنان که بند نافتان به شکم امپریالیسم بسته است کمونیستها این میهن پرستان واقعی را بیگانه‌پرست و جاسوس نامیده‌اند. این اتهام ردیلا نه صرفاً وسیله‌ایست در خدمت هدفهای ردیلا نه‌تری بنام نابودی انقلاب و استقلال کشور. حزب توده ایران شناخته شده‌ترین و پراسابقه‌ترین سازمان سیاسی کشور است، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن است که برنامه و شی خود را برای پیشبرد انقلاب تدوین کرده است. حزب توده ایران در طول بیش از ۴۰ سال فعالیت خود به چنان جریانی بدل شده است که عملاً "کین‌توزترین دشمنان آشتی‌ناپذیر آن، ارتجاعی‌ترین نیروهای اجتماعی بشمار می‌روند و هر نیروی ترقیخواه در عرصه مبارزات واقعی قطع نظر از تمایل درونی خود با حزب توده ایران در یک سمت قرار می‌گیرد. اعتبار جهانی حزب توده ایران چنان است که هر عنصر انقلابی در هر کجای دنیا که باشد اوضاع کشور ما را بوسیله رفتاری می‌سنجد که با حزب توده ایران می‌شود. برای بشریت ترقیخواه در عصر ما سیاست حکومت نسبت به حزب توده ایران همواره و در طول تاریخ یک ملاک واقعی برای تشخیص سمتگیری حکومت ایران بوده است.

علیرغم تمام تبلیغات مسموم و فریبکارانه‌ای که طی ۴۳ سال علیه حزب توده ایران دامن زده شده است امروز وضع بگونه‌ای است که هر زمان توده‌های وسیع‌تری از خلق ما بی‌مبیرند که چگونه مرگ برتوده‌ای یعنی مرگ بر اصلاحات ارضی، یعنی زنده‌یاد سرمایه‌دار درود بر فنودال، یعنی دوستی با امپریالیسم امریکا و دیگر مرتجعین جهان، شعارهای حزب توده ایران درباره مهم‌ترین مسائل اجتماعی تا آنجا در میان توده مردم نفوذ کرده است که هر روز بیشتر از روز پیش در مبارزه روزمره توده‌ها ملاک و معیار قضاوت درباره سیاست و اقدامات حکومت و سازمانهای سیاسی قرار می‌گیرد. حزب توده ایران گروهک بی‌ریشه‌ای نبوده و نیست که بتوان سر آنرا زیر آب کرد و آب هم از آب تکان نخورد. وقتی حکومت بدنال اتخاذ یک سیاست آشکار ضد توده‌ای، رهبری حزب را دستگیر و آنان را متهم به جاسوسی و خیانت به کشور کرد، این اقدامات ضربه شدیدی به حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران در میان توده مردم ما و در میان مردم همه کشورهای جهان وارد آورد. حکومت واقفاناً تمام حیثیت و آبروی

خود را وسیله توجیه این اقدام ضدانقلابی و نامردمی خود قرار داد. با این حال اگر فاجعه فقط به بازداشت رهبری حزب توده ایران محدود می‌شد مسئله چیز دیگری بود. حکومت در پی این بازداشتها، رهبران حزب را آنقدر شکنجه کرد که در برنامه‌های ضبط تلویزیونی به اعمالی اعتراف کنند که هرگز مرتکب نشده‌اند و مطالبی اظهار کنند که هرگز به آن اعتقاد نداشته‌اند. اینکه جمهوری اسلامی بزور شکنجه قربانیان خود را وامی‌دارد تا زانو بزنند و تیرهای تهمت و افترا و جعل و تحریفی را که ۳۰ سال است سیا انتلیجنت سرویس، مساد و ساواک شاه علیه حزب توده ایران ساخته و پرداخته به قلب جنبش و یاران خود شلیک‌کننده تنها ابعاد شقاوت و جنایتی را که صورت گرفته آشکارتر می‌سازد. اعلام مضحک "انحلال" حزب توده ایران و اخطار به اعضا و هواداران حزب که خود را به مقامات امنیتی معرفی کنند و دوستان و هواداران و رفقای مبارز خود را به شکنجه‌گران رژیم تسلیم کنند و اینکه از این به بعد توده‌ایها حکمشان قتل است، ادامه جنایت هولناکی است که دامنه نفرت مردم را از جنایات و اقدامات رژیم ایران بشدت گسترش داده است. با این رفتار ضد اخلاقی و ناجوانمردانه، حکومت ایران در افکار عمومی مردم ما و دیگر کشورها، با جنایتکارترین رژیمهای خونریز و جلاد مقایسه شد.

گرچه حکومت در وارد آوردن ضربه به حزب توده ایران و تمام جنبش انقلابی ایران، موفقیت بزرگی بدست آورد، اما هرکس این روزها کمترین برخوردی با مردم داشته باشد می‌تواند بی‌مبیرد که در مقابل یک شکست بسیار بزرگتر را متحمل شده، حکومت با این اقدام تمام اعتبار و حیثیت بیجا مانده خود راهم بر باد داد و خشم و نفرت توده مردم را بجان خرید.

مسئولین کشور خوب می‌فهمند که چگونه این نحوه رفتار ناجوانمردانه و عهدشکنانه با حزب توده ایران موج نگرانی و عدم اعتماد را در میان اقشار وسیع خلق دامن زده است. آنها خودشان هم می‌دانند که توده‌های میلیونی مردم وسیعاً بی‌برده‌اند که "اعترافات" محصول وحشیانه‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی است که در مورد رهبران حزب بکار بسته شده است. این مسئولین خوب می‌فهمند که چگونه ارتکاب این جنایات تمام مشروعیت، صلاحیت و حقانیت آنان را در ذهن مردم زیر علامت سوال کشیده است. هرکس این فاجعه را می‌بیند از خود می‌پرسد راستی برای مجریان این جنایات چه چیز عزیز تر از آنچه از دست داده‌اند وجود داشته است که برای بدست آوردن آن حاضر شده‌اند بسه غیر اخلاقی‌ترین جنایات و ریاکارانه‌ترین اعمال روی آورند؟ آنها اکنون هدفی را برگزیده‌اند که بدون این وسایل هرگز بدست نمی‌آید و آنها که امروز در حکومت ایران نشسته‌اند راه سرمایه‌داری را برگزیده‌اند. البته ممکن است که حکومت نداند یا نتواند بفهمد با این اعمالی که مرتکب می‌شود کدام سرنوشت را برای خود رقم می‌زند. من در اینجا یاد شاه و ۱۵ خرداد می‌افتم، مگر نه اینکه شاه نمی‌توانست بفهمد ۱۵ خرداد به آن چیزی در تاریخ ما بدل می‌شود که شد. اما یقیناً شاه خوب می‌دانست چه می‌خواهد و وسائل رسیدن به این خواست چیست؟

امام خمینی به نحو کاملاً آشکاری خاطرنشان ساخته است که با کسانی که در دستگاه حکومت جای دارند ولی از سرکوب کمونیستها انتقاد می‌کنند، همانطور رفتار خواهد شد که با کمونیستها. این اخطار خیلی با معناست. این اخطار آنهاهم باین شکل، گذشته از اینکه اعلام سیاسی کاملاً "مباری یا مواعیدی است که امام قبل از بدست گرفتن قدرت به مردم داده است، گویای این واقعیت است که نیروهایی در داخل صفوف حکومت هم وجود دارند که نه تنها با سیاستی که در پیش گرفته شده است موافق نیستند بلکه احساس می‌کنند خودشان هم در آستانه طرد و سرکوب قرار دارند. آنها درک می‌کنند که سیاستی در پیش گرفته شده که از ریشه با آنچه که برای آن انقلاب کرده‌اند، در تضاد است. سیاستی که آینده جمهوری اسلامی ایران را در همان راستای ترسیم می‌کند که رژیم‌های مصر و عربستان و پاکستان قرار دارند. این اخطار گویای آن بود که نه تنها توده مردم بلکه بخشی از "مسلمانان مومن" هم با آنچه که با حزب توده ایران شده است، مخالفتند. مسلمانانی که شرم دارند از اینکه

بقیه در صفحه ۱۱

## مسائل انقلاب و مواضع ما

بقیه از صفحه ۱۰

بخاطر آوردن، این جنایات توسط رژیم انجام می‌شود که خود از حامیان آن هستند.

آقای دادستان علیرغم نص صریح قانون اساسی و حتی علیرغم همان قانون نیم‌بند احزاب که از تصویب مجلس گذشته است "انحلال" حزب توده ایران را اعلام می‌کند. این سخن آقای دادستان نافذ کوچکترین ارزش قانونی است. صدور اعلامیه توسط دادستانی در این باره یک اقدام بکلی خودسرانه و بی‌اعتبار است.

حزب طبقه کارگر ایران یک چیز وارداتی نیست. محصول رشد و تکامل تضادها و تناقضات درون جامعه ماست. در حزب طبقه کارگر مسئله اصلی محتوای حزب، یعنی برنامه، سوسیالیسم و بطور کلی ایدئولوژی حزب است و موجودیت تاریخی حزب بسنه برآمده و سرنوشت این یا آن فرد نیست. حزب قبل از همه آن‌اند که نابیناکی است که راهنمای عمل انقلابی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور است و این اندیشه هر زمان که می‌گذرد قلب و روح عده بیشتری از زحمتکشان میهن ما را تسخیر می‌کند. راه ما صحیح‌ترین راه رهائی زحمتکشان میهن از یوغ هر نوع ستم اجتماعی است. نیروی جادیه اندیشه ما قبل از هر چیز در حقانیت آنست و حقیقت را گرچه می‌توان انکار کرد اما نمی‌توان آنرا نابود کرد.

اندیشه ما راهم که جوهر حزب ما حزب طبقه کارگر است نه بزور شکنجه و نه بزور اعدام و عوامفریبی نمی‌توان نابود کرد. زیرا از یک سو بر نیروی عظیم طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن تکیه می‌کند و از سوی دیگر به نیروی تسخیرناپذیر حقیقت مجهز است. آموزش این دو، ریشه‌های حزب طبقه کارگر ایران را در دل جامعه ما طی این ۷۰ سال تا آجا عمیق کرده است که با اطمینان می‌توان گفت که حزب طبقه کارگر ایران نه تنها "منحل" نخواهد شد بلکه همواره به مثابه یک نیروی اجتماعی پویا تاثیر روزافزون خود را بر روند مبارزه طبقات بسود آرمانهای مردم زحمتکش برجای خواهد نهاد.

اکنون که دستگاه رهبری حزب توده ایران در زیر ضربات حکومت آسپ جدی دیده است و عده زیادی از ورزیده‌ترین کادزهای تئوریک و سیاسی جنبش کمونیستی که سرمایه‌های معنوی هنگفتی برای جنبش طبقه کارگر و انقلاب بوده‌اند لیسیر شده و جان انسان در معرض خطر جدی است، اکنون برعهده ماست تبلیغات زهرآگین را که علیه حزب توده ایران دامن زده می‌شود خنثی کنیم.

امپریالیسم، ضدانقلاب، همه مرتجعین ایران و جهان و حاکمیت راستگرای جمهوری اسلامی ایران بیش از هر زمان نیاز داشتند که سازمان در مقابل کوبیدن حزب توده ایران سکوت اختیار کند و باین ترتیب به منزله عاملین این سرکوب دژخیمانه در گمراه کردن مردم در تشخیص اوضاع مساعدت کند. در اینجا باید بیکار دیگر باصراحت تمام اعلام کنیم اگر تیغ حکومت تمام‌بیکر سازمان را نشانه بگیرد، ما کمونیست‌ها فقط حقیقت را به مردم خواهیم گفت و جز آن نخواهیم گفت. هیچ چیز قادر نیست ما را حتی یک سر سوزن هم از مواضع خود و از تحکیم بازهم بیشتر پیوند برادرانه با رفقای توده‌ای باز دارد. حزب توده ایران صرفاً "بدلیل وفاداریش به انقلاب سرکوب می‌شود و سرکوب حزب توده ایران، سرکوب حق و عدالت، سرکوب شرف انسانی، و همه آن چیزهایی است که ما برای آن بپاخته‌ایم. انقلابیون همه دنیا با خشم و نفرت دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران را محکوم می‌کنند. بشریت مترقی با صدای بلند، یکبارچه علیه فجایعی که در میهن ما می‌گذرد، به اعتراض برخاسته است. این پشتیبانی فروروانگیز حاصل چیست؟ ظنن این اعتراض جهانی در دفاع از حزب توده ایران دستاورد گرانقدر مبارزه پیگیر و خستگی‌ناپذیر حزب در راه رهایی خلق ما و تمام بشریت است و ما به این پشتیبانی افتخار می‌کنیم. این پشتیبانی مشت‌ریاگاران را باز و فرصت‌طلبان را در حکومت سرافکننده ساخته و تحقیر کرده است.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و حزب بی‌گمترین میهن پرستان ایران است و امروز از عمده‌ترین وظایف انقلابی ما دفاع از حقانیت راه و آماج‌های بزرگ حزب توده ایران و مقابله بی‌امان با موج فریب و ترور و سرکوب علیه توده‌ایاست.

حزب توده ایران در کانون ستیز انقلاب و ضدانقلاب در سراسر کشور ما قرار گرفته است و احد موفقیت راستگرایان، ضدانقلاب و امپریالیسم در عوض کردن جهت‌ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی و کشاندن کشور به راه سرمایه‌داری بطور مشخص با اینکه تا چه میزان حزب توده ایران کوبیده و منفرد شود گره خورده است. اگر امروز حزب توده ایران چنان کوبیده و منفرد شود که سیاست و برنامه آن بلامدافع گردد، ارتجاع راحت‌تر از هر زمان دیگر خواهد توانست جنبش توده‌ای را در برابر سیطره گرایش راست منکوب کند. آخر مگر نه اینکه تمام برنامه و سیاست حزب حفظ و تعمیق گرایش ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران و سوق کشور بطرف پذیرش راه غیر سرمایه‌داری بوده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تنفر و انزجار خود را از دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعلام کرده است. سازمان ما دستور مقامات کشور را در مورد انحلال حزب توده ایران بی‌اعتبار و فاقد ارزش قانونی و واقعی می‌شناسد. دستور مقامات قضایی و انتظامی را دایر بر اینکه اعضا و هواداران حزب توده ایران که گناهی جز هواداری از انقلاب ندارند، ملزم هستند خود را به مقامات انتظامی معرفی و نام و نشان رفقای خود را هم به آنها تسلیم کنند، یک اقدام خودسرانه، غیرقانونی و ضدانقلابی می‌شناسد.

امروز وظیفه ماست که از طریق بسیج افکار عمومی در مقیاس جهانی و با موج اعتراض توده‌ای علیه این جنایاتی که در کشور ما صورت گرفته است حکومت را مجبور کنیم به خواست بحق مردم میهن بر محاکمه علنی رهبران حزب و اجازه حضور یک هیات ناظر بی‌طرف بین‌المللی و مردم در دادگاه موافقت کند. نباید اجازه داد که دژخیمانی که این جنایات را مرتکب شده‌اند بخود اجازه دهند در پشت درهای بسته زندان اوین جنایات خود را پنهان و صدیق‌ترین فرزندان خلف خلق ما را نابود کنند. باید حکومت را وادار ساخت برای تمام افراد رهبری حزب توده ایران که بازداشت شده‌اند محاکمه علنی ترتیب دهد.

در اینجا لازم می‌دانم کمی هم درباره سیاست جمهوری اسلامی در برخورد با سازمان ما صحبت کنم. اخیراً آقای موسوی دادستان کل در مصاحبه با روزنامه کیهان - ۷ شهریور - در پاسخ سوال خبرنگار که درباره دستگیری اعضای سازمان می‌پرسید گفت:

" اینها اعضای شان دستگیر نشده‌اند... به عنوان اینکه اعضای گروه اکثریت دستگیر شده‌اند، خیر اینطور نیست. من از پاسخ آقای دادستان تعجب می‌کنم زیرا بعید است که ایشان از حقایق اطلاع نداشته باشند، بعید است که ایشان ندانند هم‌اکنون تمام کادرها، اعضا و هواداران سازمان تحت گسترده‌ترین پیگردا قرار دارند و هر هفته حداقل دهها تن بعنوان کادر مسئول، عضو و یا هوادار اکثریت در سراسر کشور بازداشت می‌شوند. ما اطلاع داریم که بازداشت شدگان و حتی چندتن از مسئولین سازمان که بیش از ۲ سال است در اوین بطور غیرقانونی در بازداشت بسر می‌برند برای کسب اطلاعات زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. بازجوهای اوین از آنها می‌خواهند که رفقای خود را معرفی کنند، بویژه آنها را زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دهند تا اطلاعات خود را درباره رهبری سازمان در اختیارشان بگذارند، یا در صحنه تلویزیون حاضر شده و به جعلیاتی اعتراف بکنند که مقامات امنیتی علیه حزب و سازمان ساخته و پرداخته‌اند.

هم‌اکنون مقدمات بورش آشکار به سازمان به پایان رسیده است. چندی پیش اعلامیه‌هایی بنام سازمان و با جعل امضای کمیته مرکزی ما انتشار یافت که در آن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اقدام برای براندازی، انجام چند فقره عملیات مسلحانه و اقدام برای ترور بلندپایه‌ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران متهم شده است. قبل از بورش آشکار به حزب توده ایران نیز چنین اعلامیه‌هایی بنام حزب و با جعل امضای کمیته مرکزی آن انتشار یافته بود.

راست اینست سازمان ما که همچنان با حفظ انتقادات جدی خود به قانون اساسی در راه عمل به آن و اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه قانون اساسی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند، تحت شدیدترین پیگردا قرار دارد، اعضا و هواداران سازمان تنها به جرم دفاع از انقلاب و مبارزه در راه تحقق آماج‌های انقلاب بازداشت می‌شوند. راست اینست که همه آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی مدت‌هاست که در میهن ما

# در هفته‌ای که گذشت:

## تشدید وابستگی به امپریالیستها!

" بحمد الله همه چیز ایران جا افتاده است و ما وابستگی نداریم " ( کیهان ، ۲۸ آبان ۶۲ )

این "بیانات" در زمانی گفته می‌شود که طبق اطلاع خیرگزارها و اطلاعات موثقی که از محافل اقتصادی و بازرگانی ایران می‌رسد مناسبات ایران با کشورهای امپریالیستی غرب در حال گسترش سرسام آوری است .

به نوشته نشریه آمریکایی " اخبار خاور میانه " تنها " صادرات ایالات متحده آمریکا به ایران در ظرف ۹ ماه گذشته ۸۱٪ افزایش یافته و از ۸۰ میلیون دلار به ۱۴۵ میلیون دلار رسیده است "

بر طبق اخبار این نشریه " طی این مدت ، صادرات نفت ایران به آمریکا چندین برابر افزایش یافته و از ۳۶ میلیون دلار به ۷۶۰ میلیون دلار بالغ شده است . " این نشریه به نقل از مقامات دولتی ایالات متحده آمریکا همچنین می‌نویسد:

" این آمار جنبه ظاهری دارد و در حقیقت مبادلات بازرگانی دو کشور ، دهها برابر از آمار رسمی بیشتر است . "

بر طبق نظر نمایندگان انحصارات امپریالیستی ، ایران پر رونق ترین کشور برای سرمایه گذاری در شرایط فعلی در منطقه است . مسافرت ها و دید و بازدید های نمایندگان کنسرنها و انحصارات و شرکت های امپریالیستی از ایسرا ن برای بازاریابی و از سر گرفتن پروژهای گذشته ، فروش کالا های بنجل به ایران و کسب سود سرشار و غارت مردم میهن ماست . در ایمن دیدارها دلالان و واسطه های ایرانی آنها نیز نقش مهمی را ایفا می کنند .

روزنامه " فرانکفورتر آلگمانه تسا پتونگ " در تاریخ ۲۶ آبان

خبر دیدار نوب ، سفیر سابق ج ۱۰۱۰ در بین را با مایر لاندروت ، معاون وزارت امور خارجه آلمان فدرال درج کرده است . مایر لاندروت در این دیدار ضمن تجلیل از زحمات نوب در بر پا نگاه داشتن مناسبات اقتصادی میان دو کشور ، در دوران سخت گذشته " یاد آور شده که مناسبات میان دو کشور به نحو چشمگیری گسترش یافته است . در این گزارش روزنامه سرمایه داری بزرگ آلمان فدرال ، اشاره شده است که مناسبات میان آلمان فدرال و ایران بهتر از روابط ایران با تمام کشورهای غربی و شرقی اروپاست . طبق گزارش این روزنامه ، صادرات آلمان فدرال به ایران در سه ماه اول سال جاری به رقم ۳/۴ میلیارد مارك رسیده است و درنمای افزایش آن تا میزان ۵ میلیارد مارك تا پایان سال جاری مسیحی وجود دارد . آیا مناسبات اقتصادی گسترده ای که بین

این دو کشور برقرار است باعث وابستگی اقتصاد ناتوان ایران به این کشور بر قدرت امپریالیستی نمی‌شود؟ آیا ایران به یک کشور بر قدرت امپریالیستی شده در کشورهای امپریالیستی ، از جمله آلمان فدرال بدل نشده است؟!

بررسی این واقعیات از منق روند بازگشت به دامان امپریالیست ها ، پی رده بر می‌دارد . تنها عملکرد چند ماه گذشته ج ۱۰۱۰ ، به ویژه بعد از یورش سبانه به حزب توده ، ایران و سایر نیروهای انقلابی ، در جهت تشدید وابستگی اقتصادی تشان می‌دهد که سرمایه داری انحصاری غرب حقوق دارده که به آینده خود در ایران امید وار باشد .

## معضل گرانی و

## تشویق بخش خصوصی

در هفته ای که گذشت ، مسئله گرانی و احتکار ، اوضاع بسیار نابسامان توزیع کالا در سطح کشور ، و چپاولگری تجار بزرگ بازاری یکی از مسائل عمده مورد بحث بسیاری از سردمداران حاکمیت ج ۱۰۱۰ ، در مجلس و خارج از آن بود . از جمله حجت الاسلام محمد فاضل ، نماینده پابهل در جلسه مجلس شورای اسلامی گفت ، مردم ما " مشکلاتی مانند گرانی و عرضه نشدن اجناس موجود و سو" توزیع ... که گویی محرومان و مستضعفان کشورمان را به سختی می‌فشد ، هرگز تحمل نخواهند کرد . مخصوصا اجناس دولتی فراوان و با قیمتی دهها برابر به فروش می‌رسد . ( این عمل ) دولت که تا کنون هیچ فکری در باره آن ( بازار سیاه ) نکرده است و هیچ قدمی برنداشته است ، چگونه توجیه می‌شود ؟ آیا وزیر محترم بازرگانی ... تا کنون قدمی در راه ایجاد تحول اساسی و بنیادی برداشته است ؟ " ( اطلاعات - ۲۵ آبان )

حجت الاسلام فاضل هرندی نیز ، طی یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه اطلاعات نقطه نظرات خود را پیرامون محضلات کشور با براز داشت . وی در این مصاحبه از جمله گفت : " با وجودی که گرانی سرسام آور و تسورم بی حد و مرز است ؛ و اگر چه باید با " تروریست های اقتصادی " به مبارزه برخاست ، منتها دولت هم در یرک شرایطی نیست و امکاناتی ندارد که روی تمام کالا های مورد نیاز مردم نظارت تام داشته باشد و کانالهایی انحرافی را سد کند . این یک دستگاه بسیار قوی می‌خواهد " ( اطلاعات ۲۳ آبان )

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز ، طی دیدار با وزیر بازرگانی به مسئله گرانی و تسورم اشاره کرده و گفت :

" گرانی همه اش تورم نیست " ، این تورم به آن اندازه ای که اجناس به مردم می‌رسد ،

نیست . این تورم ظالمانه است !

وی در ادامه سخنانش می‌افزاید :

" ضعف سیستم توزیع و نبودن برنامه حساب شده ، عامل ایجاد تورم زیاد است . شما می‌دانید اگر این وضع وجود داشته باشد ، مردم عادی نمی‌توانند این وضع را تحمل کنند . بسا نیاز های مادی مردم نمی‌شود بازی کرد . "

آقای رفسنجانی می‌گوید :

" حال که عده ای عادت کرده اند به دزدی و چپاول ، ما آماد ه ایم با آنها مبارزه کنیم . "

البته برای به اصطلاح " مبارزه " با آنها

وی پیشنهاد بیشتری ندارد جز این که " باید

بخش خصوصی را فعال کرد " ، و دل خوش می

کند و برای بخش خصوصی شرط هم قائل می

شود ، که " به شرط آنکه ( بخش خصوصی ) به

حق ( ) خود قانع باشد . " و با دهن خطبه

های " عدالت اجتماعی " خود معتقد است که

" بخش خصوصی " کاملاً ( ! ) باید در میدان

باشد . ( زیرا ) آزادی در تجارت از اصول

اولیه ما است ( ! ) و ادامه می‌دهد :

" از تجربه و همکاری آنها " تروریست

های اقتصادی " ) باید استفاده کرد و با این

اطمینان صریح و روشن ، دست به دست یکدیگر

داده تا سرمت ( احتکار و غارت ؟ ) بیشتر

شود " ( اطلاعات ۲۲ آبان ) .

سردمداران ج ۱۰۱۰ که ۵ سال گذشته را

به اتلاف وقت در راه حل این معضل بزرگ صرف

کرد هاند ، اکنون به این نتیجه می‌رسند که تنها

راه حل از میان برداشتن این " معضل "

سپردن تمام کارها به بخش خصوصی و تبدیل

این بخش به " منجی " مردم از محضلی است که

کم زحمتکشان را خم کرده است . بخش خصوصی

که باید " در میدان باشد " خود ، مسبب وخامت

اوضاع اقتصادی کشور و غارت بیت المال است و

جیب تهی زحمتکشان است . آری آزادی در

تجارت ، یعنی آزادی در غارت مردم !

## «صنایع ملی شده، زبان آور

## نیست»!

چندی پیش مدیر عامل و مسئولان سازمان

صنایع ملی ایران ، با مهندس موسوی ، نخست

وزیر دیدار و گفتگو کردند .

در ابتدای این دیدار آقای شافعی گزارش

کوتاهی پیرامون اوضاع صنایع ملی ایران ، ترکیب

این صنایع و میزان تولید و چگونگی کارکرد

واحد های تولیدی ملی شده بیان داشت . وی

در گزارش خود از جمله گفت : در سال ۶۱ که

عملکرد مالی آن هنوز دقیقاً روشن نشده

صنایع تحت پوشش این سازمان ، حتی با

احتساب بهره ، بد هکاری این واحدها به بانک

ها مطلقاً " ضرر نکرده اند " . این مطلب

نشان می‌دهد ، به رغم ادعاهای محافظی که در

راه بازگرداندن صنایع ملی شده به بخش

خصوصی کوشش می‌کنند ، واحد های صنعتی و

تولیدی تحت مدیریت دولت به هیچ وجه زبان

آور نیستند .

بقیه در صفحه ۱۳

# در هفته ای که گذشت:

## منافع کودتاگران ترکیه یا رژیم عراق

## «انتقاد»، یا فریب

بقیه از صفحه ۱۲

آقای شافعی در این دیدار، فشرده ای از مشکلات صنایع ملی ایران را به اطلاع آقای نخست وزیر رساند، که عمده ترین آنها بدین قرارند:

«توقف قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و عدم تعیین تکلیف مالکیت این واحدها که طبق گفته آقای شافعی، فشارهای زیادی به کارکنان این سازمان و واحدهای شاغل در آن وارد می-سازد. عدم وجود قانون کار، تعریف نشدن نظام مدیریت، وابستگی شدید صنعتی کشور منجمله کارخانجات صنایع ملی ایران، که به خاطر صرفی بودن تولیدات از وابستگی بالایی برخوردارند، هم در عرصه ماشین-آلات و هم مواد اولیه. مشکلات حمل و نقل که حتی در نهایت باعث بروز انحرافات گفتمه است و تورم پرسنلی در رشته خدمات...»

مطالبی که آقای شافعی به عنوان مشکلات صنایع ملی ایران معرفی کرده است، در واقع بخشی از بندهایی است که به پای انقلاب بسته شده تا از اجرای آماجهای اصلی آن جلوگیری شود. عدم حل این معضلات بحران انقلاب را موجب گشته است.

پاسخی که آقای نخست وزیر به مسئولین سازمان صنایع ملی ایران داد، نکته تازه ای در خود نداشت و گفته های گذشته ایشان است. آقای نخست وزیر گفت:

«بحث بسیار مفصلی که در رابطه با مسئله مالکیت الان در سطح جامعه مطرح می باشد و نیروهای زیادی دست اندرکارند که این مسئله را تعریف نمایند و تلاش وسیعی هم می شود که تعریف روشنی بدست آید...»

این پاسخ، که مظهر بی برنامه گی و سردرگمی سازشکاران و نتیجه منطقی دنباله روی آنها از منافع کلان سرمایه داران است، برای زحمتکشان میهن ما هشدار بزرگی است.

در کنار این بحث ها و کوششهایی که می-شود، واقعیت زندگی بازگو کننده حقایق دیگریست. واقعیت حاکی از تشبیه مالکیت سرمایه داری، تحکیم حاکمیت سرمایه داران و خزش سنگر به سنگر راستگرایان حامی سرمایه داری به تمام مواضع انقلاب است. در رهنمود هائی که آقای نخست وزیر در پاسخ به مدیر عامل سازمان صنایع ملی ایران داده است هیچگونه رهنمود شخصی که حداقل، افق حل این مشکلات را روشنتر سازد وجود نداشت.

تمامی این واقعیات نشان می دهد، که عملکرد دولت، نه در جهت حل این مشکلات، نه در جهت حفظ و گسترش این صنایع بلکه در جهت عکس آن یعنی ضربه زدن به ریشه این صنایع ملی است، سیرمی کند. طفره آقای نخست وزیر از دادن پاسخی صریح به مسئولین صنایع دولتی در زمینه حفظ صنایع ملی شده، شاهد این مدعای ماست.

حجت الاسلام خامنه ای، رئیس جمهوری اسلامی ایران طی مصاحبه ای با خبرنگاران مطبوعات خارجی، مطالب مهمی پیرامون مواضع ج ۱۰۱۰ در موارد گوناگون ایرازد است.

آقای رئیس جمهور در پاسخ به سؤال خبرنگاری از ترکیه که پرسیده بود:

«نظر ج ۱۰۱۰ پیرامون به خطر افتادن صدر نفت عراق به ترکیه که در صورت فتح کرکوک از طرف نیروهای نظامی ج ۱۰۱۰ صورت خواهد گرفت، چیست؟ و آیا ج ۱۰۱۰ منافع ترکیه را تضمین می کند؟» گفت:

«کشور ترکیه کشور دوست و برادر ما است و منافع این کشور برای ما حائز اهمیت است و این منافع نیابستی مورد تهدید قرار بگیرد و البته مورد تهدید هم قرار نخواهد گرفت.»

بر کسی پوشیده نیست که موضع دولت ج ۱۰۱۰ در برابر حکومت کودتاگران فاشیست در ترکیه موضعی دوستانه و در جهت برقراری مناسباتی گسترده و همه جانبه اقتصادی سیاسی تا اطلاعاتی است، به رغم آنکه کودتاگران ترکیه، از همان آغاز به قدرت رسیدن نشان موضعی خصمانه نسبت به انقلاب ایران اتخاذ کرده اند، این پاسخ آقای رئیس جمهور با توجه به این روابط موجود، پدیده تازه ای نیست. اما نکته دیگر و جالبی که در این پاسخ نهفته اینست که لوله نفتی عراق به ترکیه تنها راه صدر نفت عراق به خارج است و این لوله نفتی، به مثابه شاهرگ رژیم صدام و رژیم عراق، بخشی قابل ملاحظه ای از درآمد خود را، از این طریق تأمین می سازد. در واقع حفظ این لوله نفتی حفظ منافع صدام و کمک عملی به ابقای این رژیم است.

به همین دلیل است که مردم می پرسند: کسانی که از صبح تا شام به رژیم عراق می تازند، آن را «عامل امپریالیسم آمریکا» و «صهیونیسم بین المللی» معرفی می کنند، به بهانه مبارزه با این عامل «کزوف» و سرنگونی آن، زندگی را به مردم «حرام کرده اند» و جان و مال وهستی شان را در خطر شبانه روزی ناپودی قرار داده اند... اکنون چگونه اطمینان می دهند که شاهرگ اقتصادی عراق را «حفظ» خواهند کرد؟ چگونه این تناقض را حل می کنند؟

این تناقض کوفی های رئیس جمهور چه علتی دارد؟ چرا او با این صراحت واقعیت را وارونه جلوه می دهد؟

واقعیت اینست که «حفظ» منافع ترکیه حفظ منافع ناتو، تأمین منافع امپریالیسم سردمداران ج ۱۰ این اطمینان را نه به ترکیه، بلکه به اعضای ناتو - که از طریق این لوله نفتی تغذیه می کنند - ارائه کرده اند. راست گرایان و تسلیم شدگان ج ۱۰ یکبار دیگر، ناتو و امپریالیسم آمریکا را آسوده خیال می سازند، که آنان قصد به خطر انداختن «منافع» شان را ندارند. به گفته آقای خامنه ای:

«این منافع نیابستی مورد تهدید قرار بگیرد...»

آنان فعالانه می کوشند منافع امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، راه سازش با آن را هموار بیاخته سازند، منافع ناتو، منافع کودتاگران ترکیه... تأمین کنند.

بقیه از صفحه ۱۵

تحملی که خود در وجود آمدن آن، سهم دارند، در واقع نیازها و خواسته های مردم را «وجه المصلحه» قرار می دهند تا توشه های برای فردای خود داشته باشند!

آنان که از این مخالف خوانی های سازش-کارانه، هدفی جز سرگرم کردن مردم را دنبال نمی کنند، آنان که بر آنتند در جامعه بحران زده ما، ادای اقلیت های معترض ما را دنباله رودر حکومت های بورژوازی را در بیاورند، تا مردم را با سراب های واهی بفریبند، آنان که «بخش های خصوصی» را به «میدان داری» دعوت می کنند، آنان که در برابر «ذبح شرعی» کردن قانون اساسی در عرصه های عمل، ساکت باقی می مانند، آنان که در مقابل بیرون راندن دهقانان از سرزمینهای آباد اجدادی خود، در مقابل نقض حق قانونی تشکل کارگران سکوت اختیاری می کنند و در سرکوب حزب توده ایران، یعنی استوارترین نیروی که تأمین خواسته ها و نیازهای مردم را بر برنامه کار و پیکار خود قرار داده است، شرکت مستقیم و تشویق کننده داشته و دارند، چگونه می توانند با این «انتقادات» مردم را به فردای برآورده کردن نیازهایشان امیدوار سازند؟

کسانی که بر اعمال شکنجه های موحش در مورد زنان و مردانی که همه عمر برای تأمین منافع حصرمان رزمیدمانند، صحنه می گذارند، بسط «چشمبان» خود، پیکرهای خرد شده و خونین آنان را در شکنجه گاه ها دیده ماند و با «گوش های» خود درباره «رفتار اسلامی» بسا زندانیان شنیده ماند، دیدمانند و شنیده ماند که پیر مرد های سپید موی را با کابل های شلاق «ارشاد» می کنند، زنان و دختران زندانی را با عینک تریبون اعمال ضد انسانی، تهدیب می کنند، پوست تنشان را با شیوه های سنتی می-کنند تا به نقاط آسیب دیده پیکر جرح وین جنگی پیوند بزنند، بخونشان را تا مرز بیپوشی می گیرند و... آری کسانی که این جنایات را شاهد ند و «داستان» این فجایع را می-شنوند و دم نمی زنند، چگونه می توانند به آرمان ها و خواسته ها و نیازهای مردم جامعه عمل بیوشانند؟! آنانکه خود باد امن زدن به ملی گرایی عظمت طلبانه وادامه جنگ مخالف منافع خلق های ایران و عراق را نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم آمریکا در منطقه هموارتر می سازند، چگونه می توانند از منافع ملی خلق های میهن ما دفاع کنند؟

بحران در جمهوری اسلامی، بحرانی عمیق است که سرپای جامعه و حاکمیت را در بر گرفته است. انقلابیون راستین، هواداران سوسیالیسم علمی و دیگر دگراندیشان ضد امپریالیست و وظیفه دارند عمل و عوامل این بخیران را با روشنی و صراحت تمام برای مردم محروم و ستم دیده ما باز گویند. به مردم بگویند که سرچشمه این بحران در چرخش به راست بهمن ماه ۱۳۶۱، در تسلیم به منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ارباب و

بقیه در صفحه ۱۶

# "شورای اسلامی کار" یا ...

بقیه از صفحه ۴

فرمایان " در این طرح نیز، کمتر از " حاکمیت مطلق " وزارت کار نیست!

پیشتر هنگام بررسی ماده ۲ که مرجع تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت

در " شوراها " ۰۰۰ را شخص می ساخت، اعضای " شوراها ی اسلامی کار " را -

که طبق نظر طراحان " طرح " ۰۰۰ ؟ مجمع کارکنان " نامیده می شود - معرفی

کردیم: " کلیه کارکنان ۰۰۰ از کارگرتا مدیر ۰۰۰ " حال به بررسی اعضای

" شورای اسلامی کار منطقه " که مرجعی بالاتر از " شورای اسلامی کار " هر

واحد است و " حق رسیدگی به شکایت کارگران نسبت به شورا " - بند ۲ م ۲۵۰ -

نیز از جمله وظایف آنست، می برد اینم - طبق م ۲۴۰ : " اعضای شورای اسلامی

کار منطقه عبارتند از: الف - سه نفر از نمایندگان شوراها ی اسلامی کار به

انتخاب شوراها ی واحد های منطقه / که می توانند " کارگر " نباشند، زیرا

پسریج شده است - / ب - سه نفر از مدیران واحد های منطقه به انتخاب خود

آنان - ( مدیران می توانند نمایندگان خود را، انتخاب کنند، ولی حضور کارگران

برای شنیدن شکایت کارگری از شورا - یعنی اقدامات مدیریت - الزامی نیست! )

ج - یک نفر نماینده از وزارت کار و امور اجتماعی! یعنی طبق مفاد این ماده همین

مرکز از ۷ مدیر نماینده وزارت کار، در کمال انصاف و عدالت، به شکایت یک کارگر

پیرامون تخلفات همان مدیران و یا " همکارانشان " رسیدگی می کنند! البته که

نتیجه از پیش معلوم است!

اعضای شرکت کننده در " شورای عالی اسلامی کار " نیز، همین ترکیب را

دارد - طبق مفاد م ۲۷، تمامی ( ۱۱ نفر این شورا را نمایندگان مدیران و

دولت و وزارتخانه های مربوطه اطاق بازرگانی و صنایع و معادن " تشکیل می-

دهند -

به این ترتیب، می توان نتیجه گرفت تمامی کوشش طراحان " طرح تشکیل شورا

ها " ۰۰۰، در جهت تبدیل شوراها به ارگانهای دولتی یا شبه دولتی و

" کارفرمایان " انجام گرفته است -

۳ - سنخ و تنوع ساختن مضمون مرفعی اصل ۱۰۴ قانون اساسی -

برای بررسی این بخش، توجه به خواست و نیت تدوین کنندگان این اصل

قانون اساسی، ضروری است - در ابتدای اصل ۱۰۴ می خوانیم:

" به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامهها و ایجاد هم -

آهنگی در پیشرفت امور در واحد های تولیدی ۰۰۰ شوراها ی ۰۰۰ تشکیل می -

شود " -

یعنی وظایفی که برای " شوراها ی واحد های تولیدی در نظر گرفته شد، در

چارچوب مشخص و بنا بر نص صریح اصل ۱۰۴ به منظور تأمین قسط اسلامی و

همکاری در تهیه برنامه های واحد های تولیدی و ۰۰۰ پیشرفت امور تولید است

که باید با نظارت و اداره " شوراها صورت گیرد -

حال ببینیم تدوین کنندگان طرح چه " وظایفی " برای این شوراها، در نظر

گرفتند:

وظایفی که م ۱۲۰ و م ۱۹۰ این طرح برای شوراها در نظر گرفته، در ۳

بخش خلاصه می شود:

۱ - وظایف اخزادی از قبیل: الف / ایجاد روحیه همکاری بین کارکنان هر

واحد ۰۰۰ / ب - همکاری با انجمن اسلامی در بالا بردن آگاهی کارکنان در

زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی ۰۰۰ / ج - بالا بردن آگاهی کارکنان در

زمینه های اقتصادی، فنی و ۰۰۰ -

۲ - وظایفی که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، به عهده " انجمن های صنفی "

و طبقاتی کارگران گذاشته شده ( و ما پیشتر از آن یاد کردیم )

۳ - وظیفه شورایی: / نظارت بر امور واحد به منظور، اطلاع از انجسام

صحیح کار و ارائه پیشنهاد سازنده به مسئولین مربوطه ۰۰۰ -

در واقع این تنها وظیفه ای است که " طرح تشکیل شوراها " ۰۰۰ با الهام!

از اصل ۱۰۴ قانون اساسی، برای شوراها در نظر گرفته ولی چون این حق اندک

هم، به مذاق " مدیران " و " کارفرمایان " خوش نیامده است، دامنه آن را به

حدود " اطلاع " محدود کرده اند! با این حال " مدیران " و " کارفرمایان "

" محترم " و " مبالغه " تبصره ای، بلافاصله بعد از این بند، وضع کرده اند که

یکلی خاصیت وجودی همین ماده، بی روح را نمی کند: " تبصره - اعمال نظارت

شورا، نباید موجب توقف امور واحد گردد - " به عبارت دیگر مدیران می توانند در هر

لحظه ای که " صلاح " بدانند یا پیشنهادات و اعمال نظارت " کارگزاران به

نیانه جلوگیری از توقف امور واحد " مخالفت کنند -

به این ترتیب وظایف " شوراها " ۰۰۰ طبق مفاد " طرح " ۰۰۰ در برگزاری

نمایشگاه و فروش کتاب های مشخص و بخش مراسم سخنرانی های همین خلاصه

می شود -

حدود و شمول اجرای " طرح " ۰۰۰

طبق مفاد م ۱۵۰، وزارت کار موظف است " در واحد هائیکه بیش از ۳۵ نفر

شامل دائم دارند " به تشکیل شورا اقدام نماید -

حال بگذریم از اینکه میلیون ها کارگر و زحمتکش، در کارگاه های پیشه و ری

کوچک ( آهنگری - نانوا یی ) - که کمتر از ۳۵ نفر شامل دارند - به کارهای

توانفرسا مشغولند و گرفتار شد بدترین نوع استثمار، به معنای قرون وسطایی آند و

طراحان این " طرح " ۰۰۰ کوچکترین " منایعی " در حقتان روا نداشته اند،

و آنها را از شمول قانون اساسی بیرون گذاشته اند ۰۰۰ اگر از همه اینها بگذریم

به تبصره، بلافاصله همین ماده، می رسم که سرنوشت این " شوراها ی " نیم بند را

هم - یکبار دیگر با نقض و تعطیل کردن اصول قانون اساسی، بدست پرستوان

" شورای عالی کار " می سپارد و تصریح می کند:

" زمان تشکیل شوراها، در شرکتهای بزرگ دولتی از قبیل شرکت های تابعه

وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مایران، بر اساس این

قانون به تشخیص شورای عالی اسلامی کار خواهد بود - " ( ما به ترکیب اعضای

" شورای عالی کار " طبق مفاد م ۲۷۰ - در بررسی، بخش ۲ اشاره کردیم )

یعنی " شورای عالی اسلامی کار "، مرجعی بالاتر از " مجلس شورای اسلامی "

است و هر چند که این مجلس، طبق تبصره م ۲۰۰ همین طرح، " وزارت کار " را

موظف کرده، ۳ ماه پس از تصویب این " طرح " ۰۰۰، در تمام واحد هائیکه

" بیش از ۳۵ نفر شامل دائم دارند "، انتخابات را آغاز کنند، " شورای عالی

اسلامی کار " می تواند، در بزرگترین و صنعتی ترین تأسیسات ملی، اجرای این

قانون را بنا " به تشخیص " خود - و بدون هیچ ضابطه و معیاری - به

تعویق اندازد و بخش بسیاری از کارگران صنعتی ما را از داشتن این حق

نیم بند " نیز محروم سازد -

دایره " حدود و شمول این قانون، به همین جا محدود نمی شود! طبق م ۹

" ساعاتی که اعضای شورای اسلامی کار به وظایف شورایی مشغول هستند، جز "

ساعات کار آنان محسوب می گردد - " چنین فرض شده که این " طرح " ۰۰۰، در واحد

های تولیدی، صنعتی، کشاورزی، ۰۰۰، که در اختیار " بخش خصوصی " است

نیز قابل اجراست، ولی در هیچ یک از مواد این " طرح " ۰۰۰، بندهای تبصره ای

وجود ندارد که " کارفرمایان " محترم " را به رعایت مفاد این ماده ملزم سازد -

یعنی برای کارفرمایی که به متاوین مختلف، حتی از پرداخت حق بیمه، کارگزارانش

شانه خالی می کند، پرداخت حقوق کارگران اعضای شورا، به عنوان یک وظیفه و قانون

لازم الاجرا تثبیت نشده است - البته که هیچ کارفرمایی حتی از نوع " محترم " و

" صالح " شان هم، چنین " زبانی " را تحمل نمی شود! و قطعاً در قرارداد

" اسلامی ای که با " مال الاجاره " خود، یعنی همان کارگر " ستون انقلاب "

منعقد می سازد، تصریح می کند که او فقط در ازای انجام کار، مزد می برد از دو پس!

از سوی دیگر، طراحان ضد کارگر خوب می دانند، وقتی کارگران هزینه " معیشت

زندگی شان را تأمین نمی کنند، تمایل چندانی به فعالیت برای تشکیل شورا و شرکت

در آن از خود نشان نخواهند داد و عرصه برای، تاخت و تاز " مجمع کارکنان "،

یعنی " مدیران "، و " کارفرمایان " کاملاً خالی خواهد ماند و آنان به دلخواه

" اسب مراد " را به تاخت و خواهند داشت!

اگر نیت طراحان این " طرح " ۰۰۰، واقعا خیر بود و اگر تدوین و تصویب

کنندگان آن، قطعاً خواهان بر پائی شورایی واقعی بودند، می توانستند با استفاده

از تجربه " کارگران و نمونه های شوراهای واقعی ایجاد شده - که ضمت محکمی هم

به دهان وزیر کار سابق و پیش نویس ضد کارگری قانون کار او زد - و افسوس زدن

تبصره ای که حقوق اعضا " شورا " را از جنبه دولت، تأمین شده اعلام کند، تشکیل شورا

های اصولی و واقعی و منطبق بر مختصات اصل ۱۰۴ قانون اساسی را در

واحد های زیر کنترل بخش خصوصی نیز ممکن سازد و یا گنجاندن مواد لازم در

" طرح قانون " ۰۰۰، بهشتیانی " دولت مستضعفان " را از منافع کارگران ملی

سازد -

بررسی این " طرح " و مواد آن هنوز کامل نیست - اجزای و حتی کلی

هایی که در این " طرح " ۰۰۰، در مورد کارگران، به صورت مواد قانونی در آمده -

بیش از اینهاست - اما به همین مختصر بسنده می کنیم - چرا که در این چارچوب

نیز می توان دریافت، خانه از پای نیست ویران است!

کارگران و زحمتکشان ایران که ۵ سال پس از انقلاب، ثمرات و مزایای تشکیل

و گرد آمدن در انجمن های صنفی - شورایی خود را با تجربه " شخصی خوشی

دریافتند، بهتر از هر کس، حتی طراحان " ماهر " " طرح تشکیل شوراها " ۰۰۰

و تصویب کنندگان آن می دانند، در چنین " جامعی "، به تنها اموری که رسیدگی

نی شده، امر کارگران و تنها خواستی که برآورده نمی شود، خواست آنان است -

آنان به خوبی می دانند از تلا تشخیص می دهند! و فریب اساسی و متاوین را هم

نمی خورند - به قول کارگر با تجربه ای: این شوراها ی اسلامی کار است بسا

شوراهای اسلامی سرمایه؟!!

# «انتقاد، یافریب»

بقیه از صفحه ۱

ایشان به مردم نمی گویند اکثریت نمایندگان مجلس، تحت فشار چه نیروها و به پیروی از چه سیاستی، به ابقای آقای وزیر رأی داده اند!

آیت الله جنتی می گوید:

« شما خیال می کنید با ماهیت آمریکا آشنا شده اید ( ! ) آمریکا يك عنصر خطرناکی در جهان است. جنایت هایی می کند که باورکردنی نیست ۰۰۰ امروز به جز برخورد قاطع با آمریکا و دیگر قدرت های استعماری، هیچ راهی برای مستضعفین نیست ( کیهان، ۲۲ آبان ۶۲ ) . اما مخاطب ایشان، همچنان مجهول - الهویه باقی می ماند . چه کسانی در حاکمیت ج ۱۰ در شناخت « ماهیت آمریکا » دچار توهم اند ؟ چه کسانی با « برخورد قاطع » با « شیطان بزرگ » مخالفند و سازش و نرمش با آمریکا را به رویه رایج بدل کرده اند ؟ رئیس جمهوری اخیر از « پختگی » امپریالیسم « هار و جنایتکار آمریکا دم زده است . آیا مخاطب آیت الله جنتی، رئیس جمهوری اسلامی است ؟ ! اگر چنین است، چرا اعلام نمی شود ؟ !

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از گرانی سخن می گوید:

« این تورم ظالمانه است . . . مردم عادی نمی توانند این وضع را تحمل کنند . . . حال که عد های به دزدی و چپاول عادت کرده مانسید، آماده ایم با آن مبارزه کنیم » ( اطلاعات، ۲۲ آبان ۶۲ ) .

آیا آقای رفسنجانی واقعا آماده اند با دزدان و غارتگران مردم محروم مبارزه کنند ؟ ! پاسخ روشن است: در حقیقت، هم آقای

رفسنجانی و همسنگرانشان که به مواضع حاکم راستگرایان تسلیم شده اند، که در برابر با ز - گشت جمهوری به دامان امپریالیسم سکوت کرده و می کنند، که سرکوب دگراندیشان مدافع انقلاب، توسط ارتجاع و امپریالیسم را تأیید و در آن شرکت می نمایند، چگونه می توانند با دزدان و چپاولگران مبارزه کنند ؟ ! ایشان در این آزمون رد شده اند ! « انتقادات » سازشکاران دنباله روی راست - گرایان، اغلب در همین چار چوب محنجد و د گنجانده می شود . منتقدین « رفوزه »، نا - بسامانیهای جامعه، با یازگویی صرف مسائل و مشکلات بی پایان مردم، با انتقاد های بی - پشتوانه از وضعیت بحرانی و غیر قابل - بقیه در صفحه ۱۳

کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی روبرو شده است . پشت سر شورای نگهبان چه کسی ایستاده است ؟ رهبری جمهوری اسلامی ایران . چنانکه شاخص همه بحران ها و وضعیت های حساس است، جستجوی راه برون رفت از این بحران به تسلسلی باطل ختم می شود .

در هفته های اخیر جناح سازشکار حاکمیت، شخصیت هایی که بیشتر از سازش با راستگرایان و تسلیم طلبان، گرایشات ضد امپریالیستی و خلقی حاکمیت را تقویت می کردند و امروز دنباله رو سازش و آرایشگر زشتی ها و نابسامانی های حاکمیت اند، بر انتقادات خویش از نمادها و مظاهر مختلف بحران اجتماعی و سیاست های بحران زای حاکمیت افزودند . این انتقادات اغلب نارسا و ناقص، متزلزل، جب - و نوانه از سر سازشکاری است، در سطح باقی می ماند، ریشه های بحران را افشاء نمی کند و راه برون رفت را به مردم نشان نمی دهد .

گروهی از نمایندگان مجلس، که وزیر کشور را استیضاح کرده اند، در حالیکه فهرست طولی از تخلفات متنگین آقای وزیر را بر می شمارند، اعلام می کنند:

« اسناد و مدارک قابل توجهی در اختیار است . ما مصلحت چنین دیدیم که مقدار کمی از آنها را در متن استیضاح عنوان کنیم ! » نتیجه این مصلحت اندیشی های سازشکارانه، ابقای وزیر کشور است، که در آینده، نزدیک سازمان دهند انتخابات مجلس شورایخواهد بود . نمایندگان مصلحت اندیشی، چه جلس می توانند در انتظار عواقب این سازشکاری در انتخابات حوزه وکالتی خود باشند .

آیت الله جنتی ضمن تشویق استیضاح کنندگان می گوید:

« این استیضاح آثار و برکات فراوانی داشت . »

اما توضیح نمی دهد که اگر افشای کارنامه سیاه یکی از پرمسئولیت ترین وزرای کابینه « برکت » است، مردم یا ابقای ایشان و دیگرانی که به گفته ایشان: « ساکت و آرام مملکت را متلاشی می کنند » چگونه برخورد کنند ؟

اجتماعی کشور ما مسلط سازند . پرچمداران تسلیم در برابر راستگرایان و امپریالیسم، مشکلات جامعه را ناشی از خرابکاری های رژیم گذشته، « خوی کوخ نشینی » در جامعه و جنگ می دانند . آنان به مردم اطمینان می - دهند که با ادامه سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم و کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ - مالکان، و ادامه تلاش برای از بین بردن « خوی کاخ نشینی »، همه مشکلات مردم را حل خواهند کرد . تنها اندکی وقت لازم است ! رئیس جمهوری از مردم می خواهد تنها « بیست سال » ناقابل دیگر صبر کنند . « وحدت » خود را حفظ کنند ( سخترانی در بند رعایاس )، « مبارزه طبقاتی را دامن نزنند » ( سخترانی در کنگره شورا های اسلامی کارگری ) و دستورات اسلامی را بی - چون و چرا اجرا کنند ( نماز جمعه تهران ) و مطمئن باشند که بالاخره کارها رو براه خواهد شد .

در این میان دولت و تنها به اقداماتی دست می زند که در برابر آن ها مانعی وجود نداشته باشد . یعنی تحکیم و تثبیت منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ . « مشکلات عدیده » ای که بر سر راه اقدامات بنیادی به سود « مستضعفان » وجود دارد، « مانع از انجام هر گونه عملی است . این « مشکلات ناشی از » نداشتن قانون درباره زمین، تعیین حدود بخش خصوصی و دولتی و تعاونی، و نیز یک نظام مالیاتی نوین است . » ( نخست وزیر، مصاحبه با اطلاعات - ۲۳ آبان ۶۲ )

قانون را مجلس باید بگذراند . اما قوانین مردمی که مجلس گذرانده است به چه سرنوشتی گرفتار آمده اند ؟

« در رابطه با مسأله زمین، می دانید که یک طرحی در مجلس تصویب شده که شورای محترم نگهبان، شانزده اشکال به این طرح ذکر کرده اند، و متأسفانه با آنکه تلاش بسیار کردیم تا بتوانیم راهی پیدا کنیم بجایی نرسیدیم (فاضل هرندی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس، اطلاعات، ۲۳ آبان ۶۲) .

همه می دانند که قانون ملی کردن تجارت خارجی نیز با اشکالات شرعی « شورای نگهبان

## مسائل انقلاب و مواضع ما

بقیه از صفحه ۱۱

بحالت تعلیق درآمده و هر امکانی که حتی در چهارچوب قانون نهمند احزاب قانونا، ما باید در فعالیتهای خود از آن برخوردار باشیم، از ما سلب شده است .

این حقایق وقتی با سخن آقای دادستان سنجیده شود جالبی پیدا می کند . ساسکرایان جمهوری اسلامی از ما می خواهند که در برابر حساب و حساب هایی که علیه اعلات و مردم صورت می کرد سکوت کنیم و در سکرها همان در حالیکه برحم سفید افراشته ایم سمرارای سوم، فدائیان خلق به چنین تنگی ن نخواهند داد . . . هزار بار ن نخواهند داد !

در پایان لازم است نکته مهم دیگری اشاره کنم، اخیراً

مقامات امنیتی و استقامی کشور اینطور تبلیغ می کنند که هرگاه تصمیم بگیرند می توانند سازمانهای سیاسی را نابود کنند و باطلوی فعالیت آنها بگیرند . این حرف تقلید مضحکی از همان ادعاهای سازمان مخوف اطلاعات و امنیت شاه است که این بار از زبان مسئولان جمهوری اسلامی ایران شنیده می شود . من بسیار متأسم که دوباره در کشور ما کسانی قدرت می گیرند که افغانا اینست که آنقدر مستبد و سفاک و زورگو هستند که مردم بدون اجازه آنها حق ندارند آب بخورند و اگر بخورند حتماً آنها مطلق خواهند شد ! اما این ادعاها بهمان اندازه که تأسفبار و دردناک است دروغ هم هست . در اینجا درباره میزان ضعف و قدرت سازمانهای سرکوبگر حکومت قضاوت نمی کنم . روی این نکته تأکید میکنم که حتی در سبانه ترین شرایط پلیسی و فاشیستی باز هم می توان و باید از موجودیت و فعالیت حزب انقلابی، حزب طبقه کارگر در سطح کشور پیروزمندانه دفاع کرد و این یک اصل لنینی است .



### کوشش برای تجزیه قبرس

پانزد هم نوامیر، رهبری جامعه ترک در قبرس اعلام کرد در شمال این جزیره که حدود ۵ سال پیش توسط ارتش ترکیه اشغال شده است، یک " دولت مستقل " تشکیل می شود. این عمل برخلاف تمام تصمیم های سازمان ملل متحد و به زیان تمامیت ارضی و استقلال و آرامش در قبرس است.

تردیدی نیست که این تجزیه طلبی پایه های کوشش برای حل عادلانه مسئله قبرس را سست خواهد کرد و وضع را در خود قبرس و منطقه به نحو خطرناکی بحرانی خواهد نمود.

قابل ذکر است این عمل ماجراجویانه درست هنگامی صورت می گیرد که امپریالیسم آمریکا در سراسر نقاط جهان، به وخامت اوضاع دامن می زند و کانونهای جدید درگیری و جنگ می آفریند. در تمام محافل ترقیخواه و صلح دوست بین المللی، اقدام رهبران جامعه ترک قبرس، به مثابه گامی به زیان اهالی ترک و یونانیسی رُس و صلح و امنیت منطقه محکوم گردیده است.

### امپریالیسم فرانسه ضربت شصت نشان می دهد

هواپیماهای جنگی فرانسه طی حملات متعدد، در منطقه ای واقع در شرق شهر بعلبک در لبنان، ۳۹ تن را با بمب های خودکشتند و ۱۵۰ تن را زخمی ساختند. امپریالیست های آمریکائی و فرانسوی و صهیونیست های اسرائیلی، انتقام انفجار مراکز نظامی خود را از زنبقان و کودکان لبنانی و فلسطینی می گیرند. بی جهت نیست که دارو دسته اسحاق شامیر که در کشت و کشتار میان اهالی غیر نظامی ید طولائی دارد به مناسبت انجام این جنایت فجیح به مقامات فرانسوی تبریک گفته است!

این حملات توسط هواپیماهای بمب افکن " سپهر اتاندارد " انجام گرفت. کیسه موافق فرمان شارل هرزوه وزیر دفاع فرانسه از نا هواپیما بر کلمانسو که اکنون در آبهای ساحلی لبنان مستقر است به پرواز درآمد.

### اعتراض علیه رژیم پینوشه

روز جمعه گذشته، در سانتیاگو پایتخت شیلی تظاهرات عظیمی بر پا شد که حدود یک میلیون تن در آن شرکت داشتند، این تظاهرات بنا به دعوت همه جنبش های مخالف دولت صورت گرفت. پلیس رژیم یگروز پیش از انجام تظاهرات

و به منظور جلوگیری از اعتراض مردم ۲۱۹ نفر را بازداشت کرد. ضمن نیروهای امنیتی و پلیس کوشیدند با دست زدن به انواع توطئه ها، اهالی را دچار وحشت نمایند. از جمله قصد داشتند گروههای مزدور پلیس را با شعارهای افراطی به میان مردم بفرستند تا با انجام اعمال خشونت آمیز به دست پلیس بهانه بدهند. ولی سازمان دهندگان اعلام کردند که تظاهرات فقط با پرچم شیلی صورت می گیرد و در دست داشتن هر نوع پلاکارد دیگری به معنی " تحریک " است. با این همه پلیس بدون بهانه هم به تظاهرات مردم حمله برد و تعداد زیادی را مجروح و یک جوان ۱۸ ساله را به شهادت رساند.

### «انتقاد، یافریب»

بقیه از صفحه ۱۲  
تهدید مجلس، سلب حق قانونگزاری از نمایندگان مردم و واگذاری آن به شورای نگهبان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم، سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام انقلابیون و میهن دوستان بی گبری که گناهی جز افشای توطئه مسخ انقلاب مردم نداشته اند، و در انتخاب راه بحرانزا، وابستگی آفرین و فلاکتبار سرمایه داری است. به مردم بگویند تا پایه طبقاتی حاکمیت و سیاست حاکم بر آن چنین است، آه و ناله راه بجایی نخواهد برد.

### دولت ترکیه، جان مهاجرین سیاسی ایرانی را در آن کشور به خطر انداخته است!

در رابطه با این اقدام غیر انسانی دولت ترکیه، مراجع بین المللی و سازمانهای دموکراتیک و ترقی خواه به دست به اعتراض زد مانند از جمله جامعه حقوقدانان دموکرات آلمان و برلن غربی نامه اعتراضی به وزارت امور خارجه آلمان فدرال ارسال داشتند تا بدین ترتیب از ادامه این عمل جلوگیری کنند. جامعه حقوقدانان دموکرات آلمان فدرال و برلن غربی در نامه اعتراضی خود، همچنین خواستار آن شده است که به ایمن مهاجرین سیاسی امکان سفر آزاد به کشورهای که خود خواهان اقامت در آنند داده شود. از وزارت امور خارجه آلمان نیز خواسته شده است تا اقدامات جدی در زمینه پذیرفتن عد های از این افراد، به عنوان پناهنده سیاسی به آلمان فدرال سازمان داده شود.

کمیته همبستگی ایران در آلمان فدرال نیز طی یک نامه اعتراضی به مقامات رسمی آلمانی، رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس و نمایندگان مجلس آلمان فدرال، خواستار آن شده است تا مقامات آلمان فدرال برای آزاد ساختن آن مهاجرینی که برای بازگرداندن به ایران بازداشت شده اند، اقدام کنند و دولت ترکیه را زیر فشار قرار دهند و ترتیب مسافرت آنان را به کشورهای مورد نظر بدهند.

چنانکه از منابع موثق در ترکیه خبردار شد ما به هفته گذشته، تعداد کثیری از ایرانیانی که به خاطر پیگرد ها و تضییقات پلیسی مجبور به جلائی وطن شده و بسیاری مسافرت به کشورهای دیگر اروپایی در ترکیه به سر می بردند، توسط نیروهای انتظامی دولت کودتاگران فاشیست ترکیه دستگیر و تا کنون ۵۳ نفر از آنان به ایران بازگردانده شده اند. گزارشات دیگری حاکی است که دولت ترکیه موج جدید و گسترده تری از بازداشت و پس فرستادن مهاجرین سیاسی ایرانی را آغاز کرده که بازداشت ۲۰۰ نفر دیگر در چند روز اخیر نمونه های از آن است. قابل ذکر است این اقدام دولت ترکیه زمانی آغاز شده است که دسته دسته انسان های مبارزی که با حکم شدن جوشدید خفقان و سرکوب و قرار گرفتن تحت بی گسرد شدید پلیسی مجبور به ترک میهن می شوند و در عوض گروههای سلطنت طلب و ساواکی که جو کشور را مناسب برای بازگشت خود یافته اند، گروه گروه به ایران باز می گردند. لازم به یاد آوری است که ترکیه مدت طولانی پناهگاه ساواکیهای فراری از ایران بود و این دولت تمام امکانات و تسهیلات خود را در اختیار این جنایتکاران می گذاشت.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سافرانسیسکو هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

**راه توده**

**RAHE TUDEH**

No. 69

Friday, 25. Nov 83

Address: **Winfried Schwarz**  
**Markgrafenstr. 13**  
**6000 Frankfurt 90**

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.